

فقط با تعمیق انقلاب، پیروزی بی برگشت انقلاب تأمین می شود



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۵
دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۱۰ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن، انقلاب شد - امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی ایران، که به رهبری امام خمینی، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از واژگون ساختن رژیم طاغوتی جبار و دست نشانده، به پیروزی رسید و منجر به تأسیس جمهوری اسلامی ایران گردید، تاکنون در مبارزه بر ضد امپریالیسم به سرکردگی آمریکا و تأمین استقلال، در دفع انواع توطئه های آمریکا و ضد انقلاب، در تأمین آزادی های سیاسی و حقوق زحمتکش، که در قانون اساسی تصریح گردیده، در مبارزه برای تصرف مواضع سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکی، در مبارزه با بورژوازی لیبرال ایران و شکستن یل سازش با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و در دیگر شئون زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و غیره، به دستاوردهای مهم و قابل توجهی نائل آمده است، که ما آنها را، بمناسبت پایان دومین سال و آغاز سومین سال پیروزی انقلاب، در شماره ۲۶ بهمن (شماره ۴۴۱) نامه «مردم» زیر عنوان «دستاوردهای انقلاب، که از میان آتش و خون بدست آمده...» به تفصیل بر شمریم.

سخت با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای جهان - خوار و خدعه گر و غدار است، که بهر قیمتی شده در صدد باز پس گرفتن ایران است؛ هنوز در ایران ضد انقلاب فعال است و ریشه کن نشده است؛ هنوز بقایای سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکی وجود دارد و بر ضد انقلاب فعال است؛ هنوز بورژوازی لیبرال ایران امیدوار است که بتواند نقش خود را بعنوان «جاده صاف کن» امپریالیسم و ضد انقلاب به ثمر برساند؛ هنوز جنگ تحمیلی رژیم صدام - این دست چنایتکار آمریکایی تجاوز کار - درهم شکسته نشده است؛ هنوز وظایف انجام نگرفته خطیری در زمینه های مختلف باقی است. خلاصه هنوز باید اقدامات بزرگی را با قاطعیت انجام داد، تا انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از خطر مصون گردد، تثبیت و تحکیم شود، به پیروزی قطعی و بی برگشت نائل آید.

بنظر ما، عمده ترین اقداماتی که باید بدون تسامح و تعلل برای تأمین پیروزی بی برگشت انقلاب انجام گیرد، بشرح زیرین است:

ولی گفتنی است و با تأکید گفتنی است که هنوز انقلاب و جمهوری اسلامی ایران درگیر نبرد

بجای دشنام و افترا به حزب توده ایران

پروتکل مذاکرات محور مانده دولت موقت با برژینسکی را منتشر کنید

دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت و عضو هیئت نمایندگی دولت موقت در مذاکرات محرمانه با برژینسکی، طبق «اخلاق اسلامی» خویش، با پیگیری به دشنام گوئی و افترا زنی به حزب توده ایران مشغول است. ما از دکتر ابراهیم یزدی برای چندمین بار میخواستیم که بجای دشنام گوئی و افترا زنی به حزب توده ایران - که عاقبت ندارد - پروتکل مذاکرات محرمانه با برژینسکی را برای مردم ایران افشا کند. این عمل - از جمله برای مردم ایران روشن خواهد ساخت که مناسبات دولت موقت با آمریکا چگونه بوده است؟ ضمناً این سؤال هم برای مردم ایران مطرح است که: چرا پس از یکسال و نیم که از مذاکرات محرمانه با برژینسکی میگذرد، هنوز پروتکل این مذاکرات منتشر نشده است؟

دولت جمهوری اسلامی ایران، برای حل اختلافات خود با جمهوری دموکراتیک افغانستان باید ابتکار را در دست خود بگیرد

در پاسخ به پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه، بمناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب برادر در فرانسه، پاسخ زیر واصل شده است: کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیز! پیام شادباش حزب شما را بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست فرانسه، با شادمانی فراوان، دریافت

بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن

همبستگی جوانان شوروی با مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم و جوانان ایران تأکید شد

بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن، در روزنامه های شوروی همچنان مقالات فراوانی درباره این بزرگترین پیروزی تاریخی مردم ما انتشار می یابد. روزنامه «کسومولسکا یا پراودا» ارگان «کسومول» (اتحادیه کمونیستی جوانان) مینویسد: «دولتهای امپریالیستی، بویژه ایالات متحده آمریکا، که هنوز نمی خواهند از دست دادن مواضع خود را در ایران بپذیرند، همچنان ازمداخله در امور داخلی ایران دست بر نمی دارند و می کوشند تا از پیشبرد دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی (در این کشور) جلوگیری بعمل آورند.» بنویسد «کسومولسکا یا پراودا» و دیگر رسانه های گروهی اتحاد شوروی، بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ایران در نقاط مختلف کشور گردهمانی های جوانان ایران دست بر نمی دارند و می کوشند تا از پیشبرد دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی (در این کشور) جلوگیری بعمل آورند.» بنویسد «کسومولسکا یا پراودا» و دیگر رسانه های گروهی اتحاد شوروی، بمناسبت دومین سالگرد انقلاب ایران در نقاط مختلف کشور گردهمانی های جوانان شوروی بر گزار شد. در این گردهمانی ها جوانان شوروی همبستگی خود را با مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم و جوانان ایران ابراز داشتند و اهمیت گسترش همکاری و حسن همجواری ایران و اتحاد شوروی را یاد آور شدند.

ما از شوروی بخاطر شناسائی انقلابمان سپاسگزاریم

فرهنگی و علمی با آنان گفتگو داشته است» (همانجا) جلال الدین فارسی تأکید داشت: «این مسالقاتها در محیطی دوستانه و سرشار از تقاضاهای صورت گرفته و انضام هیات نمایندگی ایران امیدوار هستند که این ملاقاتها به توسعه مناسبات حسن همجواری بین ایران و شوروی کمک کند.» (همانجا)

اعضای هیئت اعزامی از سوی شورای تبلیغات اسلامی، که برای تشریح مواضع انقلاب ایران به شوروی سفر کرده اند، در یک محاجه مطبوعاتی در سفارت ایران شرکت کردند. آقای محمد مگری سفیر جمهوری اسلامی ایران در شوروی در این محاجه مطبوعاتی گفت: «شوروی از ابتدا نسبت به

در زمینه مبارزه با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا دشمن اصلی و خطرناکترین دشمن انقلاب ایران امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا است، که «هفته گرفتاریهای ما از اوست». این واقعیت را لحظه ای نباید فراموش کرد. چنانکه میدانیم، آمریکا (در راس تمام دیگر کشورهای امپریالیستی و نیز دولتهای دست نشانده خود در منطقه) برای براندازی انقلاب و جمهوری یقه در صفا ۴

قابل توجه سازمان مجاهدین خلق ایران «قاسملو» ی جنایتکار اعتراف میکند

عبدالرحمن قاسملو، که «مجاهدین خلق» ظاهراً از ماهیت و نیات وی بیخبرند، طریک مصاحبه مطبوعاتی در پاریس - که امپریالیسم خبری کوشیده است این مصاحبه در جهان سرمایه داری انعکاس گسترده ای داشته باشد و افکار عمومی علیه انقلاب ایران تحریک شود - از جمله گفته است:

«رژیم مالاها باید سرنگون شود.» قاسملو بدین طریق به نقش خود در جهت تحقق توطئه های امپریالیسم آمریکا، به منابه متحد چنایتکارانی چون اویسی و بختیار، به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، اعتراف کرده است.

قاسملو، همچنین افزوده است که با دیگر گروه های مخالف ایران، متحد میشود و گفته است: «نیروهای دموکراتیک در ایران متحد ما هستند.»

(ظاهراً یکی از این «نیروهای دموکراتیک»، از نظر قاسملو باید «مجاهدین خلق» باشند که مدتی است از طریق مصاحبه و انتشار نظریات قاسملو، به تطهیر چهره چنایتکار و مزدور او، همت گماشته اند.)

قاسملو در این مصاحبه، همچنین توانست نهایت هراس خود را از بر ملا شدن رابطه خویش با رژیم چنایتکار صدام حسین - که به برکت افشاکریهای حزب توده ایران اظهر - منالمنس شده است - کتمان کند و در جستجوی راه نزاری، سالوسانه افزوده است: «با عراق قطع رابطه کرده ایم!»

آیا «مجاهدین خلق»، که دروغهای قاسملو را در مورد انکار آنبه اسناد وابستگی و هرگونه «رابطه همکاری» با ضد انقلابیون منتشر میسازند و از زبان قاسملو، این حقایق را «اتهامات ناجوانمردانه» می نامند، در مقابل اعترافات این مزدور صدام حسین و امپریالیسم آمریکا، چه پاسخی دارند؟ آیا «مجاهدین خلق»، «متحد» قاسملو هستند که در صدد سرنگونی رژیم مالاها، است؟!؟

در ۲ روز گذشته ارتفاعات تته و پاسگاه ژالانه عراق بدست رزمندگان انقلاب افتاد

در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، دلاوران مبارز ایرانی در ۲ روز گذشته ضربات دیگری بر قوای دشمن وارد آوردند. طبق اطلاعیه شماره ۴۰۵ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروهای لشکر ۲۸ پیاده سنج در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۵۹، طی عملیاتی موفق شدند ارتفاعات تته و پاسگاه ژالانه عراق را تسخیر کنند و بقیه در صفا ۷

پاسخ کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست فرانسه

داشتیم، سپاسگزاری عمیق خود را از این پیام ابراز میداریم و آنرا نشانه همبستگی فعال و مناسبات دوستانه ای بشمار می آوریم، که همواره میان احزاب ما وجود داشته است. این فرصت را مقتنم می شمریم و باردیگر تمایل خود را به گسترش روابط و تحکیم همکاری میان دو حزب در پیکار علیه امپریالیسم و در راه خلق سلاح، صلح، نظم جدید بین المللی، دموکراسی و سوسیالیسم ابراز میداریم. با درودهای برادرانه

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

دام ضد انقلاب که روزنامه «جمهوری اسلامی» در آن گرفتار شد

حمله به نمایندگان دستاوردهای انقلاب در بر

ما ضمن اعتراض شدید به این عمل غیرمسئولانه مسئول سپاه پاسداران هم از وی و سایر مسئولین منطقی می‌خواهیم که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در مد نظر داشته باشند و بدانند که پایمال کردن حقوق مصرحه در این قانون، بزبان انقلاب ایران است، بویژه آنکه در شرایط کنونی ضدانقلاب از هر وسیله‌ای برای دشمنی با انقلاب بهره می‌گیرد و چنین برخوردهای غیرمسئولانه‌ای می‌تواند زمینه‌ساز سوء استفاده ضدانقلاب باشد.

چندتن از هواداران حزب توده ایران در پی، که به مناسبت دومین سالگرد انقلاب نمایندگان برپا کرده بودند، توسط عده‌ای مضراب شدند. این نمایندگان در اولین ساعات دایر شدن توسط چند تن خرد گردید و مسئولین نمایندگان در اثر ضربات کابل مجروح شدند. جریان این حادثه بلافاصله به مسئول سپاه پاسداران پسم گزارش شد، لیکن بنا کمال تأسف، وی به شکایات رفقای ما توجهی نکرد و تأکید کرد که با حزب توده ایران مخالف است و با آن مقابله می‌کند.

جز به زیان انقلاب و بسود گسترش تفرقه و بدبینی میان نیروهای انقلابی نیست؟ آیا این منطقی و عاقلانه است که حزبی که ۴۰ سال است برای تأمین اتحاد کلیه نیروهای مترقی و انقلابی برای دفاع از استقلال و آزادی ایران می‌رزمند و هم‌اکنون نیز صمیمانه و با تمام توان در جهت تحقق شعار «جبهه متحد خلق» تلاش میکند، دست به عملی بزند که نتیجه مستقیم آن ایجاد بدبینی و خصومت در میان مسلمانان انقلابی علیه حزب ماست؟ آیا درک هدف واقعی این توطئه بیشرمانه تا به این حد دشوار است؟ آیا نویسندگان «جمهوری اسلامی» نمی‌توانستند بجای انعکاس خصمانه این توطئه - آنهم در همان جبهتی که توطئه‌گران می‌خواستند به جستجوی توطئه‌گر اصلی برخیزند، آنرا بیابند و توطئه تفرقه‌افکنی را در صفحات خویش افشا کنند؟ ما ضمن تکذیب قاطع توطئه «دفرجه مشق»، بار دیگر تکرار و تأکید می‌کنیم: ما در دام ضدانقلاب نمی‌افتیم و تمام نیروی خود را برای زدودن سوء تفاهات و بدبینی‌ها میان نیروهای انقلابی مسلمان و پیروان راستین سوسیالیسم علمی بکار خواهیم بست. اما از مسلمانان راستین پیرو خط امام نیز می‌خواهیم که با چشمانی بازتر به توطئه‌های رنگارنگ خصم حیل‌گر و سوگندخورده بنگرند و از دامهای آن حذر کنند.

ضدانقلاب دام دیگری برای تفرقه‌جویی میان نیروهای انقلابی و تحریک علیه حزب توده ایران تدارک دید، این دام را پیش پای روزنامه «جمهوری اسلامی» پهن کرد و روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز، علیرغم آنکه با این توطئه ناآشنا نبود، پای در آن نهاد. ضدانقلاب جلد دفرجه مشق را از بیرون با سخنان امام علی و آیاتی از قرآن مجید و از درون با تصویر روی جلد نامه «مردم» نشریه تئوریک حزب توده ایران در سالهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، منتشر کرده، نسخه‌ای از این توطئه، به روزنامه «جمهوری اسلامی» رسیده و روزنامه «جمهوری اسلامی» (مورخ ۲۶ بهمن ۵۹) نیز، علیرغم آنکه قبلاً در دام مشابهی گرفتار شده بود، همانگونه که ضدانقلاب میخواست، به دشنام و افترا علیه حزب توده ایران دست زده است. ما از تذکر دوستانه برای بازداشتن مسلمانان انقلابی از افتادن به دامهای تحریک و تفرقه ضدانقلاب خسته نمی‌شویم، اما انتظار داریم که آزمونهای تلخ نیز برای چندمین بار آزمایش نشوند. نویسندگان «جمهوری اسلامی» که می‌دانند و باید بدانند که حزب توده ایران با اینگونه اعمال رذیلتانه بیگانه است و اصولاً برای عرضه نشریات و تظلمات خویش، نه نیازی به این اعمال زشت دارد و نه به آنها توسل جسته و خواهد جست، چرا در مقابل توطئه‌های چنین آشکار، از خود بیخود میشوند و به عملی دست می‌زنند که

فقط با تعمیق انقلاب...

بقیه از صفحه ۹

اسلامی ایران، بر روی دو «خط» حرکت میکند: یکی «خط» براندازی قهرآمیز (حمله نظامی-مستقیم یا مستقیم) انقلاب ما و یکی «خط» مسخ انقلاب، تمی کردن آن از محتوای ضدامپریالیستی (استقلال‌طلبانه) و مردمی آن یکمکه ضدانقلاب داخلی و نیز لیبرالهای سازشکار. برای شکستن «خط» اول (که در حال حاضر بصورت تجاوز نظامی رژیم صدام عمل میکند و در آینده احتمال می‌رود که بصورت گسترش این تجاوز یکمکه دیگر دولتهای دست‌نشانده منطقه و حتی حمله مستقیم آمریکا بروز کند) باید بدون فوت وقت، وسیعاً و همه‌جانبه (از لحاظ نیروی انسانی، انسجام نیروهای مسلح، فرماندهی کارای آنها، تدارکات، تسلیحات، تعلیمات فشرده و غیره) آماده شد.

برای شکستن «خط» دوم، یعنی خط مسخ انقلاب، که خطر آن از «خط» اول کمتر نیست، باید اقدامات زیرین را با قاطعیت انجام داد:

دروزمینه اقتصادی انقلاب تاکنون ضربات معینی بر سرمایه‌داری وابسته وارد آورده است، ولی هنوز بقایای بزرگ سرمایه‌داری وابسته باقی است. بزرگ سرمایه‌داری وابسته بازرگانی میتوان گفت دست‌نخورده است. این بزرگ سرمایه‌داری وابسته پایگاه مهم اقتصادی - اجتماعی سیاسی ضدانقلاب است، فعلاً عمل میکند و حاصل عمل او رکود نسبی تولید داخلی، گرانی روزافزون، احتکار، گرانی مصنوعی، غارت بی‌پروای زحمتکشان و در نتیجه ایجاد و گسترش فائزهای است. باید این سرچشمه فساد ضدانقلابی را کویید. باید مواضع این بزرگ سرمایه‌داری وابسته را کلاً تصرف کرد، باید بویژه و بدون فوت وقت بازرگانی خارجی را کلاً ملی کرد. و به قانون اساسی در این زمینه تحقق بخشید.

انقلاب تاکنون اقداماتی در زمینه لغو بزرگ مالکی، چه نوع فئودالی و چه نوع بزرگ‌زمینداری سرمایه‌داری انجام داده است. ولی این اقدامات، در قیاس با آنچه که باید بشود، ناچیز است.

قانون اصلاحات ارضی، که در مجموع در جهت تقسیم اراضی بزرگ‌مالکان به دهقانان زحمتکش تدوین گردیده، چنانکه باید و شاید انجام نمی‌گیرد. اجرای بند «ج» این قانون، که محتوای اساسی آن است، با مقاومت بزرگ مالکان، لیبرالها و وعاظ‌الاسلامین طرفدار آنها روبرو شده است. باید این مقاومت را با قاطعیت شکست و **قانون اصلاحات ارضی را کلاً و با قاطعیت اجرا کرد، تا از این طریق هم یکی دیگر از پایگاههای مهم اقتصادی - اجتماعی ضدانقلاب شکسته شود، هم تولید کشاورزی برآه رشد و ترقی افتد و هم توده‌های میلیونی زحمتکشان روستا از انقلاب بهره‌مند شوند و، در نتیجه، با قدرت و بیش از پیش حامی و مدافع انقلاب گردند و از این طریق انقلاب توانائی عظیمی کسب کند.**

بطور منجز باید گفت که در شرایط کنونی، اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی و اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی، عاجل‌ترین وظایف در عرصه اقتصادی است. تعلل در اجرای آنها قبول‌خطر ضدانقلاب و، برعکس، تصرف این دو پایگاه عده ضدانقلابی، شکستن کم ضدانقلاب

مالکان و بزرگ سرمایه‌داران تجاری و بزرگ واسطه‌ها و بزرگ محتکرین و بزرگ غارتگران و... خلاصه مبارزه با پایگاههای اقتصادی بازمانده از دوران طاغوت است. باضافه، یکرشته اقدامات در عرصه‌های تعیین و تثبیت قیمتها، تأمین مسکن (تا حدود امکان) برای زحمتکشان، تأمین بهداشت و بهداشتی (تا حدود امکان) برای آنان، تأمین کار (از طریق توسعه تولید) برای بیکاران و... لازم است، آنهم طبق برنامه‌های منجمده‌ای که اجرای آنها امکان‌پذیر باشد.

یک لحظه نباید فراموش کرد که انقلاب ما «انقلاب کوخ‌نشینان علیه کاخ‌نشینان»، انقلاب زحمتکشان، مستضعفان و محرومان است که اکثریت عظیم خلق را تشکیل میدهند. با بهبود زندگی این اکثریت عظیم است که نیروی انقلاب چون کوه پرتوان و پر عظمت میگردد.

دروزمینه سیاست خارجی

سیاست خارجی، عرصه فعالیت بسیار وسیعی است و دولت جمهوری اسلامی ایران باید در این عرصه بسود تحکیم استقلال و تحکیم انقلاب بسا قدرت و قاطعیت عمل کند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه در مدت حدود دو سال بعد از انقلاب، در چنگ لیبرالها بوده است و اینان با در دست داشتن این اهرم صدمات‌گرانی بر انقلاب وارد آورده‌اند. در این اواخر با خوشوقتی میتوان مشاهده کرد که گامهای ارزنده‌ای در گسترش و تحکیم مناسبات با برخی از کشورهای جبهه ضدامپریالیستی برداشته شده است. ولی در مجموع میتوان گفت که اگر شناخت دشمنان انقلاب ایران تا حدود زیادی انجام گرفته، هنوز شناخت دوستان انقلاب بقدر کافی و لازم نیست.

اگر درست است که ایران انقلابی، در این جهان خاکی قرار گرفته؛ اگر درست است که ایران نباید و نمی‌تواند بدور خود دیوار بکشد و مانند همه دیگر کشورهای جهان نیازمند برقراری مناسبات با دیگر کشورها برای رفع نیازمندیهای متقابل است؛ اگر درست است که امپریالیسم، سرکردگی آمریکا، و تمام داروخته دولتهای دست‌نشانده امپریالیسم، دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایرانند؛ پس برقراری مناسبات هرچه گسترده‌تر با دیگر کشورهای جبهه ضدامپریالیستی جهان، از جمله کشورهای سوسیالیستی حامی انقلاب ایران و بویژه هسایه بزرگ شمالی، اتحاد جماهیر شوروی، بر مبنای احترام بی‌خدشه و متقابل به حق حاکمیت و استقلال، برابری کامل حقوق، عدم مداخله متقابل در امور داخلی و سود و فائده متقابل عادلانه، برای تقویت بنیه انقلاب در مبارزه با ضدانقلاب جهانی، پس‌کردگی آمریکا، ضرورت تام دارد.

گامهایی که در این اواخر در این زمینه برداشته شده است، گامهای ارزنده مثبتی است، ولی در این راه، بنظر ما، باید با گامهای هر قدر ممکن است بلندتر و استوارتر، بدون بیم از تیرهای زهرآگین تبلیغات امپریالیسم خیری و لیبرالهای وطنی و مائوئیستی‌های آمریکایی، ضمن بدورانداختن پیشداوریهای ناشی از تبلیغات چندین‌ده ساله تبلیغات امپریالیستی و «آریامیری»، به پیش‌رفت. این یکی از اهم وظایفی است که در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران، برای دست‌رسی به پیروزیهای نهایی انقلاب، برای تأمین پیروزی بی‌پرگشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، قرار گرفته

است. دستگاه اداری عظیم دوران طاغوت، ابزار مهمی در دست امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن برای اعمال نفوذ و اجرای سیاست استعماری و ضد خلقی بوده است. «دولت موقت» لیبرالها برای حفظ این دستگاه سعی بلیغ کرد. سپس مسئله پاکسازی بصورت جدی مطرح شد. ولی این پاکسازی همراه با نقائص جدی انجام گرفت. از یکسو پاکسازی، در چنان سطحی انجام گرفت که بسیاری از طاغوتیان و یا کسانی که برای طاغوت «آه میکشیدند»، ولی «مسلمان» شدند، باقی ماندند. از سوی دیگر افراد بسیاری که موافق و حامی انقلاب بودند، به «کناه» داشتن ایدئولوژی معینی از ادارات و نیز از دستگاه آموزشی رانده شدند. این افراط و تفریط ناشی از قشری‌گری و انحصارطلبی، بسود انقلاب نبود و نیست.

در پاکسازی ادارات، قرار است تجدیدنظر بعمل آید. این تجدیدنظر، بنظر ما، باید بدو مبنای متکی باشد: یکی اینکه دستگاه اداری از تمام طاغوت‌زدگان پاک‌شود. دیگر اینکه تمام افراد معتقد و متعهد، همه هواداران انقلاب در دستگاه اداری، در دستگاه آموزشی و در همه‌جای دیگر به کار خوانده شوند.

اساساً باید گفت که نه فقط برخورد قشری و انحصارطلبانه و طرد نیروهای اصیل و راستین انقلابی بدلیل تفاوت ایدئولوژیک، برخوردی است به زیان انقلاب، بزیان رشد حال و آینده کشور، بلکه یک چنین برخوردی، جز دادن خوراک تبلیغاتی به لیبرالها و به ضدانقلاب، هیچ فایده دیگری ندارد.

دروزمینه امنیت و آزادی

تأمین امنیت قضائی و بطور کلی تأمین امنیت و همچنین تأمین آزادیهای مصرح در قانون اساسی، اقدامی است لازم برای تثبیت انقلاب، برای جلوگیری از هرج و مرجی که به ضدانقلاب میدان میدهد و زبان لیبرالها را در تخطئه انقلاب دراز میکند. باید میدان هرج و مرج را که با تلاقش و نغمه‌های ضدانقلاب است، خشکاند. باید از شیوه مبارزه چاق‌دارانه، از تصرف قبر آمیزداتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، آتش‌سوزی کتابفروشیها، درگیریهای خیابانی و دیگر مظاهر هرج و مرج جلوگیری کرد. باید آزادیها را طبق قانون اساسی و قوانینی که بر پایه اصول قانون اساسی باید تدوین و تصویب گردد، برای احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی هوادار انقلاب، برای سازمانهای صنفی و اجتماعی تأمین کرد. در یک کلمه باید قانون را در همه زمینه‌ها و همه‌جا حاکم کرد و حکومت قانون را تأمین و تثبیت و تحکیم کرد. این یکی دیگر از اهم وظایفی است که در برابر انقلاب قرار دارد و باید با سرعت و قاطعیت تحقق یابد.

دروزمینه بهبود زندگی زحمتکشان

در این زمینه اقدامات معینی بوسیله دولت، بوسیله جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است. ولی باید دانست که هر قدر در این زمینه پیشرفت حاصل شود و هر قدر این پیشرفت سریعتر باشد، بهمان نسبت توان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بیشتر خواهد شد. نیازی به تذکر نیست که پیشرفت در این زمینه مستلزم مبارزه قاطع با بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ

است. دستگاه اداری عظیم دوران طاغوت، ابزار مهمی در دست امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده آن برای اعمال نفوذ و اجرای سیاست استعماری و ضد خلقی بوده است. «دولت موقت» لیبرالها برای حفظ این دستگاه سعی بلیغ کرد. سپس مسئله پاکسازی بصورت جدی مطرح شد. ولی این پاکسازی همراه با نقائص جدی انجام گرفت. از یکسو پاکسازی، در چنان سطحی انجام گرفت که بسیاری از طاغوتیان و یا کسانی که برای طاغوت «آه میکشیدند»، ولی «مسلمان» شدند، باقی ماندند. از سوی دیگر افراد بسیاری که موافق و حامی انقلاب بودند، به «کناه» داشتن ایدئولوژی معینی از ادارات و نیز از دستگاه آموزشی رانده شدند. این افراط و تفریط ناشی از قشری‌گری و انحصارطلبی، بسود انقلاب نبود و نیست.

در پاکسازی ادارات، قرار است تجدیدنظر بعمل آید. این تجدیدنظر، بنظر ما، باید بدو مبنای متکی باشد: یکی اینکه دستگاه اداری از تمام طاغوت‌زدگان پاک‌شود. دیگر اینکه تمام افراد معتقد و متعهد، همه هواداران انقلاب در دستگاه اداری، در دستگاه آموزشی و در همه‌جای دیگر به کار خوانده شوند.

اساساً باید گفت که نه فقط برخورد قشری و انحصارطلبانه و طرد نیروهای اصیل و راستین انقلابی بدلیل تفاوت ایدئولوژیک، برخوردی است به زیان انقلاب، بزیان رشد حال و آینده کشور، بلکه یک چنین برخوردی، جز دادن خوراک تبلیغاتی به لیبرالها و به ضدانقلاب، هیچ فایده دیگری ندارد.

دروزمینه امنیت و آزادی

تأمین امنیت قضائی و بطور کلی تأمین امنیت و همچنین تأمین آزادیهای مصرح در قانون اساسی، اقدامی است لازم برای تثبیت انقلاب، برای جلوگیری از هرج و مرجی که به ضدانقلاب میدان میدهد و زبان لیبرالها را در تخطئه انقلاب دراز میکند. باید میدان هرج و مرج را که با تلاقش و نغمه‌های ضدانقلاب است، خشکاند. باید از شیوه مبارزه چاق‌دارانه، از تصرف قبر آمیزداتر احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی، آتش‌سوزی کتابفروشیها، درگیریهای خیابانی و دیگر مظاهر هرج و مرج جلوگیری کرد. باید آزادیها را طبق قانون اساسی و قوانینی که بر پایه اصول قانون اساسی باید تدوین و تصویب گردد، برای احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی هوادار انقلاب، برای سازمانهای صنفی و اجتماعی تأمین کرد. در یک کلمه باید قانون را در همه زمینه‌ها و همه‌جا حاکم کرد و حکومت قانون را تأمین و تثبیت و تحکیم کرد. این یکی دیگر از اهم وظایفی است که در برابر انقلاب قرار دارد و باید با سرعت و قاطعیت تحقق یابد.

دروزمینه بهبود زندگی زحمتکشان

در این زمینه اقدامات معینی بوسیله دولت، بوسیله جهاد سازندگی و دیگر نهادهای انقلابی انجام گرفته است. ولی باید دانست که هر قدر در این زمینه پیشرفت حاصل شود و هر قدر این پیشرفت سریعتر باشد، بهمان نسبت توان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بیشتر خواهد شد. نیازی به تذکر نیست که پیشرفت در این زمینه مستلزم مبارزه قاطع با بزرگ سرمایه‌داران و بزرگ

دولت جمهوری اسلامی ایران، برای حل اختلافات خود با جمهوری دموکراتیک افغانستان، باید ابتکار را در دست خود بگیرد

حل اختلافات جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دموکراتیک افغانستان با استغناء از هر دو کشور در مبارزه بر ضد امپریالیسم امریکاست.

پار دیگر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتحد، آمادگی خود را برای رفع اختلافات با جمهوری اسلامی ایران از طریق مذاکرات اعلام کرد. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تاکنون بارها حسن نیت و علاقمندی خود را برای حل اختلافات با کشورهای همجوار خود، ایران و پاکستان، ابراز داشته و پیشنهاد کرده است که برای رفع این اختلافات وعادی کردن روابط در روابط آن کشور با جمهوری اسلامی ایران و پاکستان مذاکراتی انجام گیرد. اما مایه شگفتی و تاسف است که مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران تاکنون به این ندای صادقانه پاسخ مثبت نداده اند. دولت افغانستان ضمن ابراز آمادگی برای مذاکره با ایران و پاکستان، خاطرنشان کرده است که حاضر است هر گونه پیشنهاد متقابل مبتنی بر حسن نیت را بررسی کند. در بیانیه وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان، که بمناسبت کنفرانس سران کشورهای اسلامی انتشار یافت، خاطرنشان شده است که: «میان افغانستان و پاکستان و افغانستان و ایران ستیز و منافقانه ای وجود ندارد. جمهوری دموکراتیک افغانستان، هیچگونه ادعای ارضی نسبت به دو کشور نامبرده ندارد.»

در همین بیانیه گفته میشود: «در حالیکه تحولات داخلی افغانستان تبدیلی برای صلح و امنیت منطقه و یا در جهان نیست، این افغانستان است که آماج اقدامهای تجاوزگرا از خارج و دیگر اشکال مداخله در امور داخلی خود قرار گرفته است.»

امروز دیگر این واقعت را کسی نمیتواند انکار کند که دامن زدن به «مسئله افغانستان» و عنوان کردن «مداخله نظامی شوروی» در این کشور، طبق طرحهای توطئه امپریالیسم امریکا و چین و پاکستان و نقشه های مداخله نظامی آنها علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان و استقرار تدارکات جنگی امپریالیسم امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته و میگردد. طرح مسئله افغانستان و «مداخله نظامی شوروی» در افغانستان، در کنفرانسهای کشورهای اسلامی در ماههای ژانویه و مه سال گذشته از جانب رژیمهای ضدخلفی وابسته به امریکا در منطقه نیز همین هدف را

دنبال کرد. و این در شرایطی بود که امپریالیسم امریکا تدارکات جنگی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند را با مقیاس وسیعی انجام میداد و طرحهای توطئه سرکوب انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی در ایران را، یکریس از دیگری، بمرحله اجرا درمی آورد. در آذربایجان خط مشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - که طرح و مجری آن لیبیالها بودند - در سمتی قرار داشت که با منافع عینی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در تناقض بود. این خط مشی، که مانع عمده شناخت دوستان و دشمنان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود، موجب گردید که روابط جمهوری اسلامی ایران با رژیمهای مستقل ملی و ضد امپریالیستی در منطقه در حالی غیرفعال و سرد باقی بماند و در عوض با رژیمهای ضدخلفی و وابسته به امپریالیسم امریکا نزدیک و گسترده شود. همه گونه کوشش بعمل آمد، تا در روابط ایران با آن همسایگانی که صادقانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی میکنند و خواهان گسترش روابط و همکاریهای دوستانه با جمهوری اسلامی ایران هستند، وخامت ایجاد گردد و این درست آن سیاستی بود که با توصیه های پرژنسکی، مشاور امنیتی کارتر، در مورد به وخامت کشاندن روابط ایران با همسایگانش تطبیق میکرد.

از سوی دیگر، گذشت زمان این واقعت را نیز تأیید کرد که اکثریت مطلق حاکمان و جمعیت های افغانی، که عنوان «جماهدین» و «مبارزان» اسلامی بر خود نهاده اند و به عملیات خرابکاری و تروریست علیه رژیم دموکراتیک در افغانستان اقدام میکنند، هر یک به نحوی با سازمان های جاسوسی ایالات متحده امریکا، پکن و پاکستان ارتباط دارند و عاملین اجرای توطئه های ضد انقلابی امپریالیسم امریکا علیه رژیم دموکراتیک و دولت قانونی افغانستان اند. حمایت گروهها و مهاجران افغانی، که در کشور ما نیز اقامت دارند، بارها در مطبوعات کشور و در جلسات مجلس شورای اسلامی از جانب برخی از نمایندگان اثناء گردیده و بر این مطلب تأکید شده است که برخی از سران این جمعیتها از لحاظ سیاسی مشکوک و اکثر افراد افغانی مقیم

ایران به خرید و فروش اسلحه، مواد مخدر، راهزنی و حتی قتل و دیگر جنایات اشتغال دارند. بدین ترتیب، مجموعه این واقعات نمایانگر آنستکه هیچگونه عامل عینی و اصولی که بتواند تیرگی در روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری دموکراتیک افغانستان را توجیه کند، وجود ندارد و تنها زهر گرائیها و پیش داوریها مانع عمده در این راه است. در عین حال عوامل عینی و مشترک بسیاری وجود دارد که میتواند موجب نزدیکی روابط و همکاریهای گسترده میان دو کشور همجوار ایران و افغانستان و مبنای چنین روابطی باشد. پیروزی انقلاب دموکراتیک در افغانستان و پیروزی انقلاب شکرهمند مردم ایران، بر مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم امریکا و مواضع رژیمهای ضدخلفی و وابسته به امپریالیسم در این منطقه، ضربات سنگینی وارد ساخته و تناسب نیروها در این منطقه را بنفع نیروهای استقلال طلب آزادخواه و به زیان امپریالیسم و رژیمهای وابسته به آن دگرگون کرده است. درست بهین دلیل است که امپریالیسم امریکا و رژیمهای ضدخلفی بخاطر بازیافت این مواضع و تغییر تناسب نیرو در منطقه بنفع خود، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان را آماج توطئه ها و نقشه های مداخله گرانه و تدارکات جنگی و طرحهای تجاوزی خود قرار داده اند.

اکثریت نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس جنبش غیرمتحدها در دهلی نو، اقدامات امپریالیسم امریکا و پکن را که می کوشند از طریق دامن زدن به توطئه ها و تبلیغات علیه ویتنام، کامبوجیا و افغانستان، در کار کنفرانس جنبش غیرمتحدها خرابکاری کنند، محکوم کردند. امپریالیسم امریکا، چین و پاکستان با ادامه مداخلات مسلحانه و اعزام گروههای خرابکار و تروریست به افغانستان، در عین حال این هدف را دنبال میکنند که واحدهای محدود ارتش شوروی، که به تقاضای دولت افغانستان و طبق پیمان دو جانبه دو کشور اتحاد شوروی و افغانستان، برای جلوگیری از مداخلات مسلحانه خارجی، به آن کشور اعزام شده اند، مجبور شوند در خاک افغانستان باقی

بمانند، تا از این راه از یکسو برای دامن زدن به تبلیغات ضد شوروی و تیره تر کردن روابط میان افغانستان با کشورهای همجوار آن، و از سوی دیگر انحراف افکار عمومی در منطقه و در جهان از تدارکات جنگی و توطئه های نظامی امپریالیسم امریکا، چین و پاکستان و دیگر رژیمهای ضد خلقی وابسته به امریکا در منطقه، علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جنبه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل بهانه ای وجود داشته باشد.

دولت جمهوری اسلامی ایران، که خود آماج عمده این تدارکات جنگی و توطئه های امپریالیستی است، بیتر از هر کشور دیگر، با اتخاذ مواضعی واقع بینانه، که بدون تردید پاسخگویی منافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، میتواند در حل اختلافات و عادی کردن روابط خود با افغانستان و فراهم کردن موجبات خروج واحدهای نظامی محدود شوروی از افغانستان نقش موثری داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک افغانستان و دیگر کشورهای مستقل ملی، از آنجمله کشورهای عضو جنبه پایداری، در عقیق گذاردن و شکست توطئه ها و نقشه های تجاوزی امپریالیسم امریکا و رژیمهای ضدخلفی و وابسته به آن در منطقه، منافع مشترکی دارند. با حل اختلافات و استقرار روابط نزدیک و همجاری در همه زمینه ها با جمهوری دموکراتیک افغانستان، در ضمن رعایت آکید اصول برابری حقوق، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، احترام متقابل به تمامیت ارضی و استقلال و حق حاکمیت، با اطمینان و تضمین بیشتری میتوان از این منافع مشترک دفاع کرد.

دولت جمهوری اسلامی ایران برای رفع اختلافات با افغانستان و برقراری روابط دوستانه و حسن همجاری میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان باید ابتکار را در دست خود بگیرد و بدینوسیله یکی از بهانه های را که مورد سوء استفاده امپریالیسم، بسرگردگی امریکا، و رژیمهای وابسته به امپریالیسم در منطقه، برای توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، از بین ببرد.

سیاست تجاوز و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی اسرائیل، در دوران اس کشور همسایه ما، اسرائیل، هرگز از توطئه های صلح جو و دموکراتیک روبرو نمی شود. در زیر مصاحبه های و از نظر جوانمردان می گذاریم. کتب جدیدی به عنوان «تاریخ اسرائیل» (آلمان نمرال)، «مخارج طوبی» (مسئول بخش من المظنی) «تاریخ دموکراتیک برای صلح و برابری اسرائیل» و «معانی دیگر کل حزب کمونیست اسرائیل» به چاپ آمده است.

پرسش: نظر «جبهه دموکراتیک» اسرائیل در باره قرارداد جداگانه «کمپ دیوید» و «واشنگتن» چیست؟ پاسخ: نخستین ویژگی تباہی «کمپ دیوید» آن است که، منظور از آن حفظ منافع استراتژیک و نفتی امپریالیسم امریکا در خاور میانه و نزدیک است. باید توجه داشت که طبق این قرارداد جداگانه، امریکایی ها و اسرائیلی ها از پایگاه های جدید نظامی در خاک اسرائیل و مصر بهره مند خواهند شد. آن ها یک فرودگاه نظامی در صحرای سینا و یک پایگاه دریایی برای ناوگان چهارم خود، واقع در مدیترانه، در بندر اسرائیلی حیفا احداث خواهند کرد.

تباہی «کمپ دیوید»، در واقع یک پیمان نظامی است علیه استقلال و حاکمیت کشورهای ضد امپریالیستی منطقه، جنبش های آزادی بخش کشورهای عرب، آفریقا و خلیج فارس و کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی. پرسش: یعنی بنظر شما سیاست «صلح» جداگانه را نمی توان به منابه گامی به سوی صلح در خاور نزدیک

بنیادین بر تزاری کفره نوزدهم «حزب کمونیست اسرائیل» (۲۵ بهمن ۱۳۵۹) سیاست تجاوز و توسعه طلبی رژیم صهیونیستی اسرائیل در درون کشور هم با مقاومت فزاینده

می خواهد با این نقشه ساختار سکنه مناطق اشغالی فلسطین را تغییر دهد. بنظر ما، به دلایل پیش گفته و از آنجا که هدف واقعی قرارداد «کمپ دیوید» آن است که نقش «سازمان آزادی بخش فلسطین»، یعنی تنها نماینده راستین خلق فلسطین، را نادیده انگارد، این قرارداد نمی تواند به صلح بیانجامد. از اینرو، ما معتقدیم که قرارداد نامبرده با شکست روبرو خواهد شد. اکثریت کشورهای عرب و «سازمان آزادی بخش فلسطین» این قرارداد را مردود می شمردند. از اینها گذشته، باید تأکید کنیم که قرارداد «کمپ دیوید» و تباہی جداگانه میان اسرائیل، مصر و ایالات متحده ناقض همه مصوبات سازمان ملل متحد درباره فلسطین است.

نقشه «خود مختاری» دسیسه بگین است پرسش: بنا بر این، به عقیده شما، باید میان نقشه «خود مختاری» و اشغال (فلسطین) علامت تساوی گذاشت؟ پاسخ: همینطور است. نقشه «خود مختاری» نقشه مناخیم بگین است و گامی است تدارکی برای الحاق سرزمین فلسطین به اسرائیل.

رویدادهای مناطق اشغالی معنای واقعی نقشه «خود مختاری» را آشکار

مایه خوشوقتی است، که در پرتو دلآوری سکنه فلسطینی در مناطق اشغالی، علیرغم سرکوبگری، بپگرد و شکنجه، مبارزات گسترش و توان می یابد. خلق فلسطین هیچ گاه خویش را با اشغال سرزمین خود سازگار نکرده است و نخواهد کرد، زیرا که نمی تواند میهن خود را در اشغال دیگران ببیند و مانند دیگر خلق های جهان، خواهان کشور مستقل خود و تعیین سرنوشت خویش است.

برنامه چهارماده ای «جبهه دموکراتیک» برای حل مسئله خاور نزدیک پرسش: پیشنهاد شما برای مقابله با «کمپ دیوید» چیست؟ پاسخ: تجربه خود ما نشان می دهد که، حل اختلافات میان اسرائیل و اعراب بدون حل مسئله فلسطین ممکن نیست. ماهمچنین به تجربه دریافته ایم که بدون احترام به حقوق فلسطینی ها، یعنی حق تعیین سرنوشت آنها بدست خویش و حق پایه گذاری دولتی مستقل، استقرار صلح امکان ندارد.

ما برنامه ای چهار ماده ای برای برقراری صلح در خاور نزدیک تدوین کرده ایم، که با همه مصوبات سازمان ملل متحد در باره مسئله فلسطین مطابقت دارد. ماده اول حاوی آنست که اسرائیل باید نیروهای مسلح خویش را از همه مناطق عربی - فلسطینی، که پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ به اشغال خویش در آورد، فراخواند. بموجب ماده دوم، باید یک دولت مستقل فلسطینی در کرانه باختری اردن، از جمله بخش عرب نسیین بیت المقدس، و در نوار غزه، کناره اسرائیل، و نه بجای اسرائیل، تاسیس یابد. ماده سوم شناسایی «سازمان آزادی بخش فلسطین» را، به منابه تنها نماینده راستین خلق فلسطین در صفحه ۶

کارخانه آردسازی «دستان» را ملی کنید

کارخانه "آردسازی جعفریان" (دستان) واقع در جاده ساری-قائم شهر هفتاد کارگر دارد، که در سه شیفت کاری کند. ظرفیت کارخانه در حال حاضر صدتن در روز است، ولی میتوان آنرا تا دوپست تن در روز افزایش داد. این کارخانه ماهیانه مقدار ۷۵ تن گندم سهمیه دولتی دارد و باقی گندم مورد احتیاج آن از بازار آزاد تهیه می شود.

در تمام طول انقلاب کارگران کارخانه، با فدا کاری هرچه تمامتر کار می کردند، تا کمبود آرد باعث ناراحتی مردم نشود و از همین رو، درآمد سرشاری نصیب صاحب کارخانه شد.

پس از پیروزی انقلاب، کار فرما تصمیم گرفت که فقط مقدار گندم سهمیه دولتی را تبدیل به آرد کند و اگر این کار ادامه پیدا می کرد، همچنین به تعطیلی کشانده می شد. همچنین کار فرما قصد داشت که بیست و شش نفر از کارگران را اخراج کند، ولی تصمیمات متخذه از جانب او، در مقابل وحدت و یکپارچگی کارگران - که منجر به پیروزی روز اعتصاب شد - بسا شکست مواجه گردید.

مدتهاست که کارگران خواستار ملی شدن کارخانه هستند، آنها تاکنون بارها به استانداری، دادستانی انقلاب اداره صنایع و معادن و دفتر صنایع ملی شده مراجعه کرده اند، ولی تا بحال نتیجه ای عاید آنها نشده است.

طبق ترازنامه سه ماهه اول سال ۱۳۵۹، سرمایه منقول و غیر منقول کارخانه مبلغ ۱۹۱ میلیون ریال است، ولی در عین حال مبلغ ۱۳۴ میلیون ریال به بانک و مبلغ ۲۶ میلیون ریال هم به تجار بدهکار است.

باتوجه به بند الف و بندج قانون مصوب شورای انقلاب در مورد ملی شدن کارخانه ها، این کارخانه شامل دو بند نامبرده میشود، چون هم دو نفر از سهامداران آن در خارج از کشور بسر میبرند و هم مقدار بدهی کارخانه بیش از سرمایه آن است.

بنابراین گفته کارگران، کار فرما بیوسته سعی بر این دارد که کارخانه را به تعطیل بکشد، او با اینکه حق بیمه و مالیات کارگران را مرتبا کسر می کند، ولی به ادارات مربوطه نمسی پرداخت می کند. تولید قبلی کارخانه پس از انقلاب - تا دیماه ۱۳۵۸، همان مقدار سهمیه گندم دولتی بود، ولی از آن تاریخ کارگران - با سرمایه گذاری ۲ میلیون ریال از محل سودی که به آنها تعلق می گرفت، توانستند کارخانه را برآه اندازند.

کارگران می گویند:

کارگران ذوب فلزات «نوبل»:

ما وظیفه خود میدانیم که تولید را بالا ببریم



می سازند و با ساختن هروسيله و قطعه ای، ضربه ای بر امپریالیسم وارد می کنند

باید دست واسطه ها را کوتاه کرد. اینها بدون هیچ زحمت پولهای کلانی به جیب می زنند.

کارگاه ذوب فلزات (ریخته گری) "نوبل در موزیرج" (بابل) واقع است. کارگر به همراه کار فرمای خود در این کارگاه کار می کنند. تولید این کارگاه قطعات و لوازم کشاورزی از قبیل پمپ آب و دیگر قطعات ماشین ها است.

میزان تولید ما ها نه این مقدار است. سیصدالی چهارصد پمپ آب است و می توانستیم قطعات یک پمپ آب، ما نندیر و آنه، فلک، سرشنگ و غیره را بسازد. نحوه کار بدین ترتیب است: ابتدا سفارشها از طریق تراشکارها به کارگاه ریخته گری داده می شود. در کارگاه ها قالبها و اندازه های از پیش ساخته شده را، با استفاده از ما سه، به شکل محصول مورد نظر در می آورند. سپس مقداری چدن را در داخل ظرف مخصوصی بنام "بوته" می ریزند و داخل کوره می گذارند و در آنجا می پاشند. بعد از آن، چدن مذاب آماده ریختن داخل قالبها می شود. سپس بوته را از درون کوره بیرون می آورند و آهن گداخته را در قالبها می ریزند. پس از چند دقیقه قالبها را با زوم محصول را از آنها جدا می کنند. بعد محصول بدست آمده به تراشکاری می رود و پس از طی مرحله بعدی، قابل استفاده می شود.

دست واسطه ها را باید کوتاه کرد.

ها دی را جی، صاحب کارگاه در باره نوع تولید و مشکلات آن می گوید:

"سوخت ما مخلوطی از گازوئیل و ما زوت است و ما آنرا به سختی تهیه می کنیم. برای نمونه به علت نداشتن گازوئیل حدودا نود روز کارگاه تعطیل شد. مواد اولیه ما عبارتند از چدن، چسب فنل و بوته. چدن را می توانیم از بازار داخلی تهیه کنیم و اصولا از محصولات کارخانه ذوب آهن استفاده می کنیم. البته قیمت چدن دائما بالا می رود. در مورد چسب فنل و بوته ما آنرا از خارج وارد می کنیم. از این نظر واقعا در مضیقه ایم. میتوان گفت پنجاه درصد کمبودهای ما ناشی از تحریم اقتصادی است. چسب فنل برای ماهیچه گیری (خال کردن داخل قالب) بکار می رود. این ماده کم است ما انتظار داریم دولت در این مورد تسهیلاتی برای ما ایجاد کند، تا بتوانیم تولید را بالا ببریم. سال گذشته حدود

هصد پمپ آب و لوازم کشاورزی این منطقه را ما تولید کردیم." وی در مورد واسطه ها گفت: "با بدست واسطه ها را کوتاه کرد. یک پمپ آب، که پس از ساخته شدن ۷۰۰ تومان تمام می شود، واسطه ها آن را ۱۴۰۰ تومان می فروشند. اینها بدون هیچ زحمت پولهای کلانی به جیب می زنند."

کمبود و گرانی بدست سرمایه داران بزرگ انجام می شود.

با کارگران این کارگاه به صحبت می نشینیم. با قرحسین - پور، ۲۲ ساله، در باره وضع دستمزد خود و گرانی گفت:

"من ۴۲۰ تومان در هفته دستمزد می گیرم. با این دستمزد باید زندگی خود را بگذرانم. تا مین کنم. البته من شکایت زیادی ندارم. بنظر من کمبود کالا و گرانی بدست سرمایه داران بزرگ ایجاد می شود. درباره جنگ و جیره بندی کالاهای گفت:

"آمریکا صدام حسین را علیه ما تحریک کرده تا میهن ما را مورد حمله قرار دهد. اگر لازم باشد در جنگ شرکت کنم. حتما با کمال میل می روم. ما باید در این جنگ پیروز شویم و خواهیم شد. توزیع دولتی کالاهای نیز خیلی خوب است. برای اینکه دست سرمایه داران را کوتاه می کند، قیمت در همه جا یکسان و ارزان می شود و به مقدار کافی به همه می رسد."

تولید را باید افزایش بدیم

ولی سلیمانی در باره وضع دستمزد خود و گرانی گفت: "هفته ای ۷۰۰ تومان دستمزد می گیرم. اغلب جمعه ها راه کار می کنیم. البته ما از

گرانی رنج می بریم و حقوقمان کفاف مخارجمان را نمی دهد. اما خوب، در حال جنگ هستیم. اگر بعضی کالاها پیدا نمی شود، ما باید تحمل کنیم، تا در این جنگ پیروز شویم. درباره جنگ و افزایش تولید گفت: "این جنگ به ضرر هر دو ملت ایران و عراق است. ما با هم جنگ نداریم. این عروسک کوکی آمریکا، صدام خان بود که ما را مورد حمله قرار داد. ما وظیفه داریم تولید را بالا ببریم. همه صنعتکارها باید بیشتر فعالیت کنند و تولید را بالا ببرند. ما می خواهیم کشورمان آباد و آزاد بشود."

او درباره جیره بندی کردن بعضی از کالاها گفت:

"این کار دولت خوب بود. ما از این کار خیلی راضی هستیم. چون از نظر قیمت ارزان است و همه مردم از آن راضی هستند. من از مسج تا غروب کار می کنم و نمی توانم بروم و کالای مورد احتیاجم را پیدا کنم. حالا مطمئن هستم که می توانیم آنرا پیدا کنیم."

دو کارگر دیگر ریخته گری "نوبل" درباره بالا رفتن تولید گفتند:

"ما حاضریم با جان و دل کار کنیم و تولید را بالا ببریم. درباره جنگ عقیده داشتند:

"با پیدا تا آخرین نفس مبارزه کنیم و دشمن را از زمین خود برانیم. درباره جیره بندی شدن برخی از کالاها نیز گفتند:

"از نظر اینکه قیمت ارزان و یکسان دارد، خوب است. دیگری عده مفت خور نمی توانند خون ما را بکشند. اگر دولت بتواند توزیع کالاهای دیگری را مانند برنج و گوشت را هم بدست بگیرد، خیلی خوب خواهد شد."

سودجویی سرمایه داران جان کارگران را تهدید می کند

شرکت ساختمانی دارند. فقط یک سرویس "برتا ساخت"، پیمانکار دارد و به همین دلیل مرحله اول و دوم و اگر - اکثر کارگران ناچارند پارس اراک است. این فاصله شهر تا کارگاهها شرکت با حجم کاری حدود (۳ کیلومتر است) با یکصد میلیون تومان، پای پیاده طی کنند. تقریبا سه ماه است که هم اکنون با فرا - شروع به کار کرده است. رسیدن فصل سرما و شرکت مزبور برای ۲۵۰ وجود گل ولای در کنار کارگری که به کار اشتغال جاده، کارگران بالا جبار (پیمانکار قبلی واگن آمد و رفت و آمد می کنند، که این خود برای کارگران خطری جدی محسوب می شود. احتمال تصادف آنان را با وسایط نقلیه زیاد می کند. در زمستان سال گذشته، به همین علت، ۲ نفر از محمکشان الوشان (پیمانکار قبلی واگن پارس) که با پای پیاده به سوی شهر در حرکت بودند، (بعلمت نداشتن محروم اند و با اینکه تا بحال چندین بار از کار فرما در این مورد درخواست رسیدگی کرده اند، ولی اقدامی از جانب کار فرما صورت نگرفته است.

کارخانه آجر ماشینی وفشاری «بویک» تیریز بکار انداخته شد

کارخانه آجر ماشینی وفشاری تیریز در حدود ۲۰ سال قبل تاسیس شد. این کارخانه حدود ۱۲ سال تعطیل بود. پس از انقلاب، مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی راه اندازی و اداره آنرا به عهده گرفتند. این مرکز چند نفر را ما مورث ماده کسردن کارخانه جهت تولید کرد و این عده با تلاش شبانه روزی خویش تاکنون توانسته اند قسمت آجر فشاری را بکار اندازند. به طوری که هم اکنون تعداد ۸۶ نفر در این قسمت بکار مشغولند و کاربر روی دستگاه های قسمت آجر ماشینی همچنان ادامه دارد. تاکنون ۸۰ درصد کار دستگاهها تمام شده است و احتمالاً تا چند ماه دیگر شروع بکار خواهند کرد. انجام این کار قدم مثبتی است در راستای انقلاب که می تواند در این موقعیت حساس کشور رزنده باشد. به این امید که با بکار آمدن مسئولان دلسوز در رأس این کارخانه، با همکاری کارگران زحمتکش، کارخانه بتواند با تولید بیشتر در خدمت انقلاب قرار بگیرد.

در رزن همدان نیز بزرگ مالکی یکی از ریشه‌های فساد است

"شماره‌ها بیدار بیدار چنانچه کار را بگیرد و اعدام کند." مسئله تعاونی روستا

در این روستا شرکت تعاونی وجود دارد، لیکن متأسفانه مسئول آن یکی از بزرگ مالکان است. این ارنه رزم طاغوت است، که تعاونی را به ضد آن بدل می‌کند و بجای آنکه یاور و کمک دهقانان باشد، وسیله دوشیدن و غارت دهقانان می‌شود.

برعکس بخشداری، که اخیراً تشکیل شده، اقدامات انقلابی حالت توجیهی برای رفاه اهالی انجام داده است. تقسیم عادلانه نفت و روغن موتور جهت کارهای کشاورزی و گازوئیل، و بنزین برای وسایل نقلیه، و سیمان برای کارهای ساختمانی روستائیان، از آن جمله است.

بزرگ مالکان هم اکنون مشغول فعالیت‌های ضدانقلابی و شایعه‌پراکنی در روستاها هستند. بزرگ مالکی سد پیشرفت و ترقی و یکی از علل تمام بدبختی‌ها و مصیبت‌های روستائیان زحمتکش است. لذا هیئت هفت نفری در اسرع وقت باید در این بخش، کار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی را آغاز کند. این کار موجب اشتغال روستائیان و فرزندانشان جوان آنان می‌گردد و از سرگردانی و فقر و بی‌هدفی آنان جلوگیری می‌کند. افسوس که مالکی حتی در محو زمینه اعتیاد نقش بسیار موفری خواهد داشت.

بموازات محو بزرگ مالکی، دولت باید وسایل و امکانات کار کشاورزان محروم را در اختیار آنان قرار دهد. لایروبی قنات روستا را انجام دهد. تعاونی روستا باید با مشارکت فعال روستائیان زحمتکش اداره شود و تحت نظارت آنان و سواری‌ده باشد. هنگامی که تعاونی تحت کنترل بزرگ مالک باشد، به هیچ وجه نمی‌تواند نیازهای دهقانان را برآورده سازد. در بخش فامینین، اقدامات فوق به طور حتم می‌تواند در شکست توطئه‌های بزرگ مالکان و طاغوت زده‌ها موفرباشد و شکوفایی اقتصاد کشاورزی و تولید بیشتر و زندگی بهتر را تأمین کند.

مسئله درمانی و آموزشی

مشکل دیگر اهالی فامینین ناکافی بودن امکانات درمانی است. درمانگاه فامینین نصف سال فاقد دکتر است. اهالی می‌خواهند که دولت با تأمین کامل امکانات بهداشتی و درمانی این نقیصه را مرتفع سازد. همچنین منبع آب آشامیدنی روستای فامینین چندین ماه است که خراب شده و نیاز به بازسازی دارد. در روستا از کلاس اول دبستان تا سوم نظری وجود دارد، لیکن مدارس فامینین نیاز به ساختمان بیشتر دارند. حتی اداره آموزش و پرورش، که تازه به فامینین منتقل شده، از اتاق‌های دو کلاس دبستان استفاده می‌کند.

مسئله بیکاری جوانان ده

جوانان فامینین بدین علت که اراضی وسیع روستا بناحق در تصرف بزرگ مالکین است، بیکار هستند. بناچار برای امرار معاش به شهرستان‌های اطراف می‌روند. جوانان روستا، علیرغم دشواری‌ها، همیشه به انقلاب ایمان داشته و کمک‌های قابل توجه و شایانی کرده‌اند. برای مثال چندین بار آن‌ها جدماشین نان و وسایل ضروری و جوهی به مقدار ده هزار تومان برای کمک به جنگ‌زدگان گردآوری کرده‌اند. عده‌ای از جوانان در بسیج شرکت کرده‌اند و آماده رفتن به جبهه هستند.

مسئله اعتیاد

برخی از اهالی فامینین اسیر مواد مخدر و اعتیاد هستند. عرضه‌کنندگان مواد مخدر، بعد از استعفای حجت الاسلام خلخالی، پخش مواد مخدر را بیشتر رواج داده‌اند. حتی گفته می‌شود که حدود ۵۰۰ نفر از جوانان روستا معتاد به هروئین هستند، که این یک فاجعه است. مادری در این مورد به پای پاسداری افتاده بود و می‌گفت:

با چاه عمیق و یک باب ساختمان (با ۱۶ اتاق) دارد. ناگفته نماند که شغل دیگر این بزرگ مالک نزل خوار است. بعد از انقلاب قرار بود که ساختمان وی صادره شود، ولی هنوز در این مورد اقدامی بعمل نیامده است. و بالاخره زمین دار بزرگ دیگری در فامینین یک خانه سه طبقه (۲۰ تا ۳۰ اتاق) دارد و نیز در چند کیلومتری فامینین و در جاده ساوه مالک ۲۰۰ هکتار زمین مکانیزه و یک میهمانسرای بزرگ است. به تمام این مسائل، که با نام و نشان و جزئیات در محل مشخص است، باید هرچه زودتر رسیدگی شود و حق روستائیان فامینین، بویژه زمین، به آن‌ها داده شود.

مسئله آب

یکی دیگر از مشکلات دهقانان مربوط به قنات روستاست، که پرآب‌ترین قنات منطقه است. این قنات در سال‌های گذشته در حدود ۲۴ خروار تخم‌انداز را در ۲۴ ساعت آبیاری می‌کرده است. اهالی روستا در رژیم گذشته تلاش بسیار کردند، تا از نابودی این قنات جلوگیری کنند. در حال حاضر چند دهنه از این قنات خراب شده و احتیاج به لایروبی دارد. متأسفانه تا بحال جهاد سازندگی و مسئولین اقدامی در جهت لایروبی قنات انجام نداده‌اند. در نتیجه یکی از بزرگ مالکان صرفاً برای عوامفریبی اقدام به لایروبی قنات کرد و چند روز با بیل الکتریکی این کار را دنبال نمود و سپس آن را متوقف ساخت. عمل بزرگ مالک فریبکار تنها موجب کور شدن کامل قنات گردید. همین بزرگ مالک در تهران صاحب چند گاراژ با بربری، تعمیرگاه و توقفگاه است که پس از انقلاب تعدادی از آن‌ها را فروخته است. حالب توجه است که شخص مذکور قبلاً با اشخاصی چون مجید اعلم‌ها، زاهدی‌ها و معین‌زندها رابطه و همکاری داشته است.

روستای فامینین، که قبلاً از توابع رزن همدان بوده و در حال حاضر به بخش تبدیل شده، در ۶۰ کیلومتری جاده ساوه-همدان قرار دارد. این روستا یکی از پرآب‌ترین روستاهای منطقه در همدان است و زراعت آن بیشتر از نوع آبی است. روستای بزرگ فامینین در حدود ۱۲۰۰ خانوار را در بر می‌گیرد و جمعیت آن به ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ نفر می‌رسد.

مسئله زمین

دهقانان کم‌زمین روستا در مجموع ۳۰۰ گاو آهن زمین دارند. این روستائیان قبلاً به صورت رعیت کار می‌کرده‌اند و در حال حاضر زمین‌ها در دست خودشان است. حدود ۸۰ نفر از روستائیان نیز اراضی بزرگ‌تری (در حدود ۱۰ هکتار به بالا) دارند. ۲۰ نفر دیگر از بزرگ زمینداران هستند که دارای اراضی وسیع کشاورزی-بعضی مکانیزه- (در حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰۰ هکتار)، همراه با چاه‌های عمیق و نیمه-عمیق هستند. عده‌ها چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در این روستا و روستاهای اطراف، به ۱۵۰۰ عدد می‌رسد.

از میان این زمین‌داران از مجید اعلم فراری و صاحب شرکت توراک می‌توان نام برد. هم‌اکنون شرکت مزبور در دست شرکا اوست. آن‌ها در اوایل انقلاب اقدام به قطع تعداد زیادی از

درختان می‌کردند. اراضی متعلق به این شرکت به ۱۰۰۰ هکتار می‌رسد و ۱۰ تا ۱۱ چاه عمیق نیز دارد. مردم روستا به حق می‌خواهند که هیئت واگذاری زمین هر چه زودتر به وضع این اراضی رسیدگی کند. شرکا نامبرده در سال گذشته از آبیاری اراضی بویژه خودداری کردند، تا محصول را کمتر نشان دهند. دهقانان با کمک بزرگ مالکان، که عضو سابق حزب رستاخیز است، هنوز مشغول بانک تعاونی است. و دیگری که گروهبان سابق ارتش است و او را به علت حمل غیرمجاز اسلحه و مقدار زیادی طلا دستگیر و سبب آزاد کرده‌بودند، دارای ۱۵۰ هکتار زمین مکانیزه و ۱۵۰ راس گوسفند است.

همچنین چند برادر، که مدت مدیدی در رژیم گذشته در فامینین مشغول انجمن ده بوده‌اند، مجموعاً بیش از ۱۵۰ هکتار زمین دارند. آن‌ها ضمناً صاحب پمپ‌بنزین جاده ساوه هم هستند و ثبت واحوال منطقه نیز در اختیار آنان است.

یکی دیگر از بزرگ مالکان در فامینین ۱۰۰ تا ۱۲۰ هکتار زمین آبی، همراه



دهقانان زحمتکش از ملی کردن بازرگانی خارجی حمایت می‌کنند

دهقانان روستای نظرآباد کرج، در نامه‌ای که بنوشته خودشان "به روزنامه‌ها می‌فودا ربه انقلاب اسلامی" ارسال داشته‌اند، چنین می‌نویسند:

"ما اهالی نظرآباد شهرستان کرج، در زمانی که میهن انقلابیمان مورد هجوم و تاخت و تا زامیریا لیست‌های خونخوار و سوگران سرسپرده اس قرار گرفته، شاهد تضعیف روحانیت مبارز رهبری امام خمینی و سنگ انداختن پشیمانی انقلاب بوسیله ضدانقلاب داخلی، مائوفیست‌ها و ایبرال‌ها هستیم و آمریکا با ۲۰۰ هزار تفنگدار و ۶۰۰۰۰ جت‌بسی و با همدستی فرانسه، انگلیس و دیگر امپریالیست‌ها در خلیج فارس در صدد تقویت ضدانقلاب داخلی و شکست انقلاب ماستند. ما پشتیبانی خود را از فعالیت دولت انقلابی و مجلس شورای اسلامی در ارتباط با ملی کردن بازرگانی خارجی (اصل ۴۴ قانون اساسی) اعلام کرده و تصویب این قانون و این اقدام انقلابی را مستحکم به دهقان لبرال‌ها و سرمایه‌داران و تجار وابسته دانسته و این اقدام انقلابی را به مردم مستضعف ایران تبریک می‌گوییم.

از ابتدای انقلاب تا حالا ما محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها روبرو بوده‌ایم و حاکم در شرایط جنگ بسیر می‌بریم، اقتصاد کشور ما همیشه بوسیله تجار وابسته زیرضربه بوده و آنها شیره جان مردم مستضعف ما را کشیده و بخش‌هنگفتی از بودجه مملکت را به کیسه مشترکشان با امپریالیست‌ها واریز می‌کردند.

ما امضاکنندگان ریز به ریز به ما پندگی از طرف بیستراهالی نظرآباد کرج پشتیبانی خود را از امام خمینی رهبرانقلاب و روحانیت مبارز و این اقدام اخیر مجلس شورای اسلامی یعنی ملی کردن بازرگانی خارجی اعلام کرده و موفقیت و توفیق ارگان‌های انقلابی و وفاداران به انقلاب را در انجام این اقدامات انقلابی خواهیم نمود.

دهقانان ماضی‌گرایان نام‌هاست، که از روسن بیننی عمیق دهقانان ما حکایت می‌کنند، دیده می‌شود.

اهالی روستای ترکمن نشین «ممی» به شورای خود متکی هستند

که این روستائیان قبل از انقلاب همه روی زمین‌ها کار می‌کردند. با اینکه پس از انقلاب ۶۰ هزار تومان به روستائیان وام داده شده، بعلمت آنکه بخشی از حاصل کار روستائیان قبل از انقلاب (محصول باغ سروان عقیلی) ضبط شده است، روستائیان قادر به بازپرداخت وام خود نیستند. یکی از روستائیان می‌گفت: "ما به امید محصول باغ سروان گرفتیم." یکی دیگر از روستائیان به نام گلندی-آخچلی، می‌گفت:

"در خانه ما ۹ نفر نان خور هستند. پسر م که نان آورده بود، به سر بازی رفته است. من هم به بیماری سل مبتلا هستم و کمتر می‌توانم کار کنم. خرج من به سختی تا میسر می‌شود. البته من اقطاعی می‌کنم که پسرم به اسلام و وطنش خدمت می‌کند.

اهالی برای رفع دشواری‌ها به شورای خود چشم امید دوخته‌اند و تجربه می‌دانند که با کمک هم خواهند توانست موفق شوند.

اهالی این روستا در حالیکه خود درگیر فقر و سختی‌های فراوان هستند، بیکار به بیش از هزار تومان از طریق شورا وعده‌ای نیز به طور مجزا به جیبه‌های جنگ با آمریکا و رژیم صدام کمک کرده‌اند. شورا در امور کشت و کرم رسانی به جیبه و مسائلی روستائی نیز فعال است.

در حدفاصل گنبد-آزادشهر و در ۶ کیلومتری گنبد، جاده‌ای بطول حداکثر ۲ کیلومتر قرار دارد، که به یکی از روستاهای ترکمن نشین بنام "ممی" می‌رود. در این روستا، که محصول عمده اش گندم است، ۴۷ خانوار زندگی می‌کنند، ولی در آن حداکثر ۵۰ باب ساختمان وجود دارد. علت آن فقر هولناکی است که در دوره سلطه رژیم منغور بهلوی بردوش روستائیان سنگینی میکرد و روستائیان را ناچار می‌کرد که ۲ یا ۳ خانوار در یک ساختمان سه اتاق زندگی کنند. در این روستا، که امکانات بهداشتی و مدرسه و حمام ندارد، اخیراً شورای اسلامی ده تشکیل شده است.

در شورای ده ۵ نفر عضویت دارند. بخشی از زمینهای فقودالهای سابق (حدود ۷۰ هکتار)، اکنون تحت نظارتین شورا کشت میشود و محصول آن نیز بین روستائیان تقسیم می‌گردد. پس از انقلاب زمین‌های فقودالها، که بخشی از آن باغ سیب و قسمتی دیگر زمین زراعتی است، توسط دهقانان کشت گردید. محصول باغها توسط جهاد سازندگی از آذرشهر دریافت شد.

"ما مبودی آخچلی"، یکی از اعضای شورای اسلامی ده در این باره می‌گفت:

"ما زمین‌ها را به ما ندادند، که سروان عقیلی (صاحب باغ) یکی از دست‌اندرکاران، کمسولیت-هاشی در آذرشهر دارد، دارای روابط خویشاوندی است."

اکنون حدود ۵۰ هکتار زمین در اختیار ۵۲ خانوار ساکن این روستا (۵ خانوار رسیستانی و ۴۷ خانوار ترکمن) قرار دارد که نمی‌توانند کفاف مخارج و احتیاجات آنان را بکنند. لذا روستائیان برای تأمین مخارج خود، برای کارگری به شهر می‌روند. بعنوان مثال، ۱۶ نفر از آنان در کارخانه آجر سازی و بقیه در جاهای دیگر کار می‌کنند. ناگفته نماند

زحمتکشان حلبی آباد شیراز :

آمریکا مارا «دباغی» کرد



ایجا مل زباله نیست، زندگی ۴۰۰ حاور کارگری است!

زحمتکشان محله حلبی-آباد (دباغخانه) در جنوب شهر شیراز، خواستار رسیدگی سریع به مشکلات متعدد خود هستند.

اغلب ۴۰۰ خانواده ساکن این محله از دشمن زیاری (دهی در نزدیکی شیراز) و مشایخ در ۱۶ فرسخی شیراز به این حلبی آباد سناه آورده‌اند و اکنون زندگی خود را با کار روزمزد مردان و کودکان در کارهای ساختمانی می‌گذرانند. از بهداشت عمومی، آب لوله‌کشی، حمام، بزرگ و درمانگاه در این محله خبری نیست.

محله دارای یک شورای محلی است، که هر ماه ۱۸ الیتر نفت و مقدار کمی برنج و روغن به هر خانواده می‌دهد، اما این مقدار رکاف زندگی تنها مدرسه ۵ کلاسه محله از طرف جهاد سازندگی ساخته و برق محله هم با همیاری ساکنین کشیده شده است. چند شیر آب در سطح محله وجود

دارد، که اطراف آنها همیشه مملو از کفایت است. اهالی می‌گویند:

"برای یک اتاق باید ۳۰۰ تومان ماهیانه اجاره بپردازیم. طبق گفته‌ها ما، انقلاب متعلق به مستضعفین است و ما همه در انقلاب شرکت داشته‌ایم و اگر به ما زمین و آب داده شود، حاضریم در هر کجای این مملکت کشت و زرع کنیم. انقلاب باید به ما کمک کند، تا بتوانیم نیروی خود را بجای اینکه صرف پیدا کردن نان کنیم، در راه مبارزه با آمریکا به مصرف برسانیم. چون ما میدانیم که آمریکا بدست رژیم شاه مارا دباغی کرده است." ضروری است که دولت از طریق انجام برنامه‌های ضربتی و اقدامات قاطع، خواسته‌های برجوا این مستضعفین را، که صاحبان اصلی انقلاب هستند، تامین کند و نیروی آنها را برای انقلاب به خدمت بگیرد.

پیام سازمان جوانان توده ایران - اهواز به مناسبت بازگشایی مجدد مدارس در اهواز

به یاد همه دانش‌آموزان شهید، به یاد همه آموزگاران و دبیران شهید، به یاد همه زنان، جوانان و نوجوانانی که با اینار خون خود در مقابل تجاوز رژیم جنایتکار صدام و امپریالیسم آمریکامردانه ایستادند و با از خود گذشتگی‌های بی‌پایان از انقلاب و مبین انقلابی دفاع کردند، بازگشایی مدارس را، هنگام با دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران، آغاز می‌کنیم.

به دنبال تجاوز رژیم جنایتکار صدام، به عنوان ششمین توطئه امپریالیسم آمریکا برای براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، مدارس اهواز تعطیل شدند و نوجوانان و دانش‌آموزان مبارزه و تلاش را در مدرسه‌های دیگر آغاز کردند: مدرسه دفاع از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران، اکنون دبیر و مقاومت‌مبارزان گذشته‌گشتگی-های مردم قهرمان اهواز و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، شهر چهره عادی خود را بازیافته است و مقامات مسئول تصمیم به بازگشایی مجدد مدارس گرفته‌اند.

مدارس اهواز در شرایطی باز می‌شوند که امپریالیسم جنایتکار آمریکا، که با اجرای توطئه تجاوز صدام به مبین انقلابی ما توانست به هدفش، یعنی براندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست یابد، در تدارک اجرای هفتمین توطئه خویش است. تشدید حضور نظامی بی‌سابقه در اقیانوس هند و خلیج فارس، توطئه‌های پنهانی سران مرتجع منطقه در کنفرانس باسلاخ اسلامی (طائف)، تشدید تبلیغات و خرابکاری‌های ضدانقلاب در داخل مبین، توطئه ایجاد تشنج و درگیری در سطح کشور به ویژه در مدارس - از جمله تدارکاتی است که امپریالیسم آمریکای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهد.

در چنین شرایط حساسی، امپریالیسم و عمل راست و چپ‌های آن به مناطق جنگ‌زده توجه جدی می‌کنند. ستون پنجم دشمن می‌کوشد، تا با استفاده از شرایط ویژه جنگی و احوالات سستی‌ها، کمبودها و

نارسائی‌هایی که در توجه به مردم جنگ‌زده و آوارگان جنگ صورت می‌گیرد، در این مناطق و در میان آوارگان جنگ، ایجاد ناراضی و آشوب کند و بدینسان با تضعیف پشت جبهه، نقشه‌های شوم خود را پیش ببرد.

از اینرو، سازمان جوانان توده ایران - اهواز، توجه مسئولین امر را به وضع مردم، جوانان، نوجوانان و دانش‌آموزان مناطق جنگ‌زده و آوارگان جنگ جلب می‌کند و از آنان می‌طلبد که با اقدامات بنیادی، زمینه‌های فعالیت ضدانقلابیون راست و چپ‌ها را از میان ببرند.

سازمان جوانان توده ایران - اهواز از مسئولین متعهد و انقلابی آموزش و پرورش می‌طلبد که با انجام اقدامات زیرین، سهم ارزنده خود را در تحکیم جبهه‌های جنگ میبینی علیه تجاوزگران صدامی ادا کنند:

- * با توجه به اینکه ضدانقلاب و گروهک‌های راست و چپ‌ها می‌کوشند، تا از ناسامانی‌ها و کاستی‌ها در محیط آموزشی، حداکثر استفاده را برای ایجاد آشوب در مدارس بنمایند، به موقع و هشیارانه و با مشارکت سازنده همه دانش‌آموزان و آموزگاران، در رفع ناسامانی‌ها و کمبودهای موجود در مدارس بکوشید.
- * برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان جنگ‌زده‌ای که در دیگر نقاط ایران سکونت دارند، تسهیلات و امکانات لازم را فراهم کنید.
- * همانطور که حجت‌الاسلام طاهری در نماز جمعه ۱۷/۱۰/۵۹ اشاره کرده است، با اتخاذ تدابیر جدی، به وضع آموزش و پرورش دانش‌آموزانی که در نواحی انقلابی شرکت دارند، رسیدگی کنید.
- * برای دایر کردن کلاس‌ها، محیط امن و مطمئن فراهم کنید!
- * آموزگاران و دبیران آگاه، انقلابی و دلسوز!
- در تربیت نسل جوان کوشا باشید!
- وظیفه مهم آموزش و پرورش سازندگان

سازمان جوانان توده ایران - اهواز، بازگشایی مجدد مدارس را در آستانه دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، به همشهریان عزیز و دلدار و به‌ویژه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و دانش‌آموزان قهرمان اهواز تبریک و تهنیت می‌گوید و برای آنان سال تحصیلی فعال، پر بار و سازنده‌ای را آرزو می‌کند.

سازمان جوانان توده ایران - اهواز ۱۳۵۹/۱۱/۱۹

به مناسبت برگزاری ۳۰۰۰

فلسطین طلب می‌کند، و ماده چهارم خواستار است که حاکمیت و تمامیت ملی همه کشورهای خاور نزدیک، از جمله اسرائیل و کشور مستقل فلسطین رعایت گردد.

این برنامه‌ها است جامع و روشن، که می‌تواند مورد قبول همه کس واقع گردد و از سوی جامعه بین‌المللی، به عنوان برنامه‌ای، که با همه قطعنامه‌های سازمان ملل مطابقت دارد، پذیرفته شود. فزون بر این، برنامه نامبرده می‌تواند در شرایط حاکم بر خاور نزدیک، پایه‌ای برای برقراری صلح عادلانه، همه‌جانبه و پایدار باشد. برای پی‌ریزی این کار، لازم است که کنفرانسی بین‌المللی، به سرپرستی سازمان ملل متحد، به ریاست مشترک ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی و با شرکت همه کشورهای سازمان‌های ذینفع، از جمله والیت "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" فراخوانده شود.

آغاز اوچگیری جنبش صلح در اسرائیل

پرسش: چنین می‌نماید که جنبش صلح در اسرائیل در سال ۱۹۷۸ / ۷۹ دوران اوچگیری را آغاز کرد. آیا می‌توان گفت که این، از جمله، بمعنای مخالفت با سیاست اسفان و نواندیشی درباره مسئله فلسطین است؟

پاسخ: در واقع هم محافل هر چه وسیع‌تری در اسرائیل هر چه بیشتر به این آگاهی دست می‌یابند که بدون فلسطینی‌ها و حل مسئله فلسطین، صلح امکان‌پذیر نیست.

مسئله بنیادی، که خلق ما در اسرائیل با آن روبروست، عبارت است از: یا صلح یا فتح ارضی. نمی‌توان انتظار داشت که در عین حال هر دو میسر باشند. آنچه که خلق ما در اسرائیل خواستار است، صلح است نه غصب

سرزمین‌های دیگران، صلح است و نه ایجاد آبادی‌های یهودی نشین. این ندایی است، که هر چه بیشتر در اسرائیل رساتر می‌شود و مادران گریاشی مثبت را مشاهده می‌کنیم.

برای نمونه، به جنبش صلح اکنون نگاهی بیفکنیم. با آنکه در موضع‌گیری این جنبش در برابر مسائل بنیادی خاور نزدیک برخی اشتباهات و ابهامات دیده می‌شود، با این همه خود این واقعیت که در اسرائیل چنین نهضت توده‌ای پدید آمده است، حاکی از آن است که جامعه اسرائیل در شرف دگرگونی‌های بنیادی است. در تظاهراتی، که در اکتبر ۱۹۷۹ از سوی این جنبش در تل‌آویو برگزار شد و شعارهای اصلی آن "به اشغالگری پایان دهید!" و "مرگ بر اشغالگری" بود، ۱۰۰ هزار اسرائیلی شرکت جستند. پدیده‌ای، که در سیاست و جامعه اسرائیل کاملاً تازگی داشت.

روشن است که چنین پدیده‌ای از راستای تحولات آینده نیز سخن می‌گوید. به موجب نظرخواهی که در اسرائیل شده است، ۳۲ درصد اسرائیلی‌ها هوادار تاسیس یک کشور فلسطینی هستند. بنابراین، در این زمینه تغییری به وقوع پیوسته است. این تغییر، یک شبه حاصل نشده است، بلکه فرآورده پیکار عمومی خلق‌های خاور میانه، تحولات واقع بینانه در درون "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" و مبارزات "جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری" در اسرائیل است.

با آنکه روی این تحولات تا کاید می‌کنم، باید بگویم که دچار هیچ‌گونه توهمی نیستم. هنوز پیکاری سخت در پیش داریم تا دگرگونی‌هایی بنیادی را بر سیاست دولت اسرائیل تحمیل کنیم و آن را مجبور سازیم، از تجاوز و توسعه‌طلبی دست بردارد و سیاست خویش را بر پایه برقراری صلح عادلانه و شناسایی حقوق فلسطینی‌ها استوار

به خواسته‌های به حق دیپلمه‌های کارآموز اصفهان رسیدگی کنید

حدوده ۱۵ نفر از دیپلمه‌های کارآموز اصفهان، که پس از ۱۴ ماه کار در ادارات مختلف به علت نداشتن بودجه، از طرف استانداری اصفهان بیکار شده‌اند، روز ۱۵ بهمن ۵۹، ضمن اجتماعی در باشگاه کارگران این شهر، خواستار دادن حق تقدم در استخدام به خود شدند. نمایندگان این کارآموزان، که همگی به صورت پیمانی مشغول کار بوده‌اند، از توطئه عوامل ضدانقلاب، که قصد داشتند این اجتماع را به راه پیمانی علیه جمهوری اسلامی ایران بکشانند، جلوگیری کردند و گردهمایی را بصورت آرا می به پایان رسانند. در پایان این گردهمایی، شرکت‌کنندگان ضمن تأکید بر رهبری انقلاب، امام خمینی، قطعنامه‌ای صادر کردند. در این قطعنامه از جمله به مسائل زیر اشاره شده است:

- عدم اخراج کارآموزان، پرداخت حقوق آنها و نیز عدم استخدام پنهانی،

- حق تقدم دادن به کارآموزان در هنگام استخدام،

- ملی کردن کامل صنایع، افزایش تولید و برنامهدریزی برای صنایع مستقل مادر،

- حل مسئله ارضی، ایجاد خدمات روستایی و اجرای خانه‌سازی برای مستضعفین،

- لغو اضافه کاری در موسسات تولیدی، ایجاد تعاونی‌های مصرفی و توزیع،

- استفاده از کارآموزان جهت آموزش به دهقانان و کار در تعاونی‌های توزیع و تولید. ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول استان اصفهان به خواسته‌های این کارآموزان، از آن‌ها می‌خواهیم که به خواسته‌های منطقی کارآموزان رسیدگی کنند و در جهت رفع مشکلات آنان اقدامات لازم را بعمل آورند.

پلیس اتریش از تظاهرات ساواکیها علیه جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد

همزمان با دومین سالگرد انقلاب ضد امپریالیسم مردمی ۲۲ بهمن، گروهک‌های ضدانقلابی و ساواکی در روزهای اخیر فعالیت‌های تبه‌کارانه و تشنج - آفرین خود را در کشورهای اروپای باختری گسترش دادند. آنها در اغلب موارد از حمایت پدیدرغ پلیس و مقامات امنیتی این متحدان امپریالیسم آمریکا بهره‌مند شده‌اند.

برای نمونه، در روز ۲۳ بهمن ماه ۵۹، ۴۰ ساواکی زیر چتر پشتیبانی پلیس وین در این شهر به تظاهرات علیه جمهوری اسلامی ایران پرداختند. از سوی دیگر، پلیس وین بگونه‌ای رخصتانه به سرکوب تظاهرات پشتیبانان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دست زد. سازمان حزب توده ایران در وین، که یکی از مبتکران تظاهرات مبین‌دستانه ایرانی به پشتیبانی از انقلاب ۲۲ بهمن بود، در اعلامیه‌ای، رفتار مقامات امنیتی وین را در پشتیبانی از تظاهرات ساواکی‌ها، بشدت محکوم کرد و سفارت جمهوری اسلامی ایران را در اتریش فراخواند تا از طرق دیپلماتیک، مراتب اعتراض خود را نسبت به این رفتار خصمانه مقامات رسمی این کشور نسبت به دولت جمهوری اسلامی ایران، به دولت اتریش اعلام دارد.

در جنگ عادلانه
بر ضد رژیم
صدام حسین
و برای دفاع
از میهن انقلابی
شرکت کنیم!

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

تعیین نکردن حدود مالکیت، مجلس را تضعیف می کند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، لایحه حد اکثر حقوق بازتستکی مورد تصویب نهایی قرار گرفت.

نخستین ناطق پیش از دستور، که در ابتدای این جلسه سخنرانی کرد، مهندس پازرگان بود. مهندس پازرگان ضمن انتقاد شدید از آقای رجایی نخست وزیر و آقای دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور از آقای بنی صدر رئیس جمهور نیز انتقاد کرد. دومین ناطق پیش از دستور، احمد ملازاده، نماینده گناباد بود. وی ضمن اشاره به حوادث درگیریهای اخیر گناباد که منجر به کشته و مجروح شدن چند نفر گردید، از مقامات مسئول استان خراسان بدلیل برخورد غیرمسئولانه آنها انتقاد کرد.

وی سپس، ضمن تاکید بر اینکه مسائل شخصی را باید از مسائل انقلاب جدا کرد، گفت: «با گفتن حقایق، دولت تضعیف نمی شود. گفتن حقایق دولت و ریاست جمهور و مملکت را به فنا خواهد داد.»

نماینده گناباد همچنین خواستار تعیین حقوق قضای و اجتماعی

دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در شیراز مورد حمله قرار گرفت

دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در استان فارس پیروزی مورد حمله عناصر غیرمسئول و مشکوکی قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

به دنبال وقوع این حادثه، سازمان حزب توده ایران در استان فارس اعلامیه صادر کرد. در این اعلامیه آمده است: «مقارن ساعت ۱۵ بعد از ظهر شنبه ۲۵ بهمن ماه ۵۹، گروهی از افراد غیر مسئول و مشکوک تحت عنوان «حزب الهی» به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس، واقع در خیابان ۱۶ متری برق شیراز حمله کردند و با زور و تهدید وارد دفتر شدند. این افراد پس از یورش به دفتر، رفتاری توهین آمیز را، که در آنجا بودند، به سبک فیلمهای وسترن آمریکائی تهدید کردند که اگر از جای خود تکان بخورند، به روی آنها اسلحه خواهند کشید! آنکه یکی از افراد گروه یک بطری آتش را در حیاط دفتر حزب پرتاب کرد و این را به آتش کشید.

این افراد که در بین آنها چهره های مشکوک و شناخته شده ای از مائوئیستهای رجیمی و تازه مسلمان شده ها دیده می شود، در ادامه عمل غیرقانونی و ضد انقلابی خود به رفتاری توهین آمیز پرداختند و آنرا را مورد شرب و شتم قرار دادند و سپس شش نفر از آنها را در فضای تنگی برای مدت یکساعت محبوس کردند. آنکه آنها را با شیوای موهن و خشونت آمیز مورد «بازجویی» قرار دادند و به بازرسی بدنی آنها پرداختند.

در مقابل تقاضای رفتاری ما، که اگر حرف و اعتراضی دارید، با ما به سپاه پاسداران، که یک ارگان انقلابی و قانونی است، برویم، افراد مذکور با گفتن این که: «ما کاری به سپاه پاسداران نداریم، به اعمال خودسرانه و قانون شکنانه خود ادامه دادند. با کمال تأسف و تعجب، با اینکه

به خاطر شهیدان انقلاب، در دومین سالگشت پیروزی

ترانه شهید

خون رونده تو سرودی است خواندنی شعری است ماندنی تا با جوانهای بهاری از ارغوان و صبح برآیی

آن روز دیر نیست آن روز دیر نیست

امروز یازده بهار بر چمن سرد خشمی پاییز رفته بر ما با ایشمه غلی تو سرخ و شکفتنی

باشد به دشت سبز بیایی دستی نقاب چشم، خورشید را بیایی

روزی که دستهای تو شمشیر نیست، گواهی است سخت

آن روز دیر نیست آن روز دیر نیست

جلال سرفراز ۱۱ بهمن ۵۹

«لوح افتخار» را کامل کنیم

به مناسبت ۱۴ بهمن، «روز شهیدان حزب و جنبش»، متذکر شده بودیم که «لوح افتخار» کامل نیست و از همه مردم قهرمان ایران، از همه انقلابیون ایران، از همه رفقا و هواداران حزب توده ایران تقاضا کرده بودیم که نام و عکس شهیدانی را که در «لوح افتخار» نیامده است، برای ما بفرستند.

این نامهای تازه بر «لوح افتخار» افزوده شده است: رفیق شهید سید عبدالله عابد اصلی (کارگر کفاش) - شهادت در سال ۱۳۳۱، هنگام فروش روزنامه حزبی در میدان فردوسی، بر اثر ضربه چاقوی «امیر موبور» (از مزدوران حزب زحمتکشان باقی).

رفیق شهید علی لیکدل (عضو سازمان ایالتی گیلان) شهادت در شهریور ۱۳۳۲، در اطراف کسما، با گلوله در زخمیان شاه.

رفیق شهید عباس آماده (دهقان) - شهادت در سال ۱۳۳۰، در اثر حمله در زخمیان شاه به یک کنفرانس دهقانی در گیلان.

با تشکر فراوان از رفقای که نامهای بالا را در اختیار ما گذاشته اند، بار دیگر تقاضای خود را در این زمینه تکرار می کنیم.

تصحیح

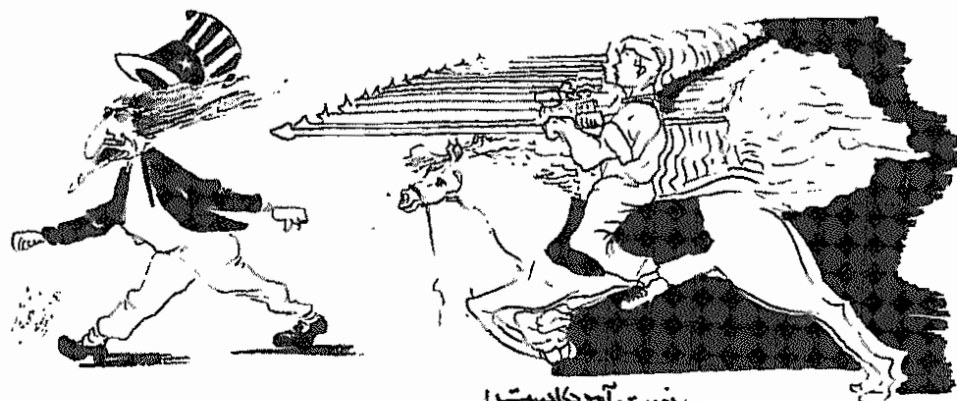
در شماره دیروز نامه «مردم» (۴۴۴) متأسفانه نام روستای زادگاه رفیق شهید محزون نادری اشتباه چاپ شده است. نام صحیح روستای زادگاه رفیق شهید «بلداسبی» است.

آن حمله در شدتند ما ضمن دادن هشدار به مقامات مسئول استان سیستان و بلوچستان و سایر مسئولین مملکتی، مصرانه از آنها می خواهیم که از فعالیت های مخرب این گروهکها، که هدفی جز ضربه زدن به انقلاب و دستاوردهای آن ندارند، جلوگیری کنند، و محرکین این توطئه ها را هر چه زودتر دستگیر و مورد پیگرد قانونی قرار دهند.

هشدار: گروهک های مائوئیستی بنیادهای انقلابی سر اوان حمله کردند

گروهک های مائوئیستی - آمریکائی، روز ۲۲ بهمن، در اجرای توطئه ایجاد کانون تشنج در منطقه سیستان و بلوچستان، به مراکز بنیادهای انقلابی این شهر حمله کردند.

در این روز عده ای از اعضای این گروهکها در سراوان دست به راهپیمائی و پخش اعلامیه زدند. به دنبال این عمل، ۲ نفر از افراد مزبور، که با موتورسیکلت در سطح شهر مشغول پخش اعلامیه بودند، مورد تعقیب مامورین سپاه پاسداران سراوان قرار گرفتند. متأسفانه در جریان این تعقیب، اتومبیل



...نوبت آمریکاست!

بامجازات مسببین حوادث کرمان، توطئه ضد انقلاب را خنثی کنید!

در پی ترور «علی فدائی» دبیر ستانهای کرمان، عوامل ضد انقلاب و ستون پنجم امپریالیسم آمریکا، و علی‌رغم هشدارهای سازمان حزب توده ایران در کرمان مبنی بر حفظ آرامش، ضد انقلاب موفق شد در روز تشییع جنازه «علی فدائی» شهر را به آشوب و تشنج بکشانند. این حادثه منجر به کشته شدن ۲ نفر و بجای ماندن حدود صد مجروح شده.

صبح شنبه ۱۸ بهمن ۵۹ جمعیت کثیری برای تشییع جنازه «علی فدائی» گرد آمدند. متأسفانه گروهی از دانش‌آموزان تحت تأثیر شعارهای انحرافی موجبات اغتشاش وسیعی را در کرمان فراهم کردند و به گسرتنهای

مانوئیلیستی - آمریکایی «بیکار» «تجبر» و لیرانها و هواداران «بقالی» و «مدنی» امکان دادند، تا زیر پوشش «دفاع از آزادی» از جو موجود در کرمان سوء استفاده کنند و به انقلاب ایران افترا و توهین روا دارند. با کمال تأسف هواداران یکی از سازمان‌هایی که قاعدتا باید در کنار نیروهای راستین خلق باشد، نیز به تشدید این تشنج کمک کردند. در فرای این حادثه، گروهی از فرهنگیان در اداره آموزش و پرورش گرد آمدند، ولی این تجمع نیز با حمله گروهی به اداره آموزش و پرورش و درگیری در چند نقطه کرمان مصافح گردید. در چهار راه کاظمی این شهر هم، که عده‌ای از مردم

کمبود روغن اتومبیل را هر چه زودتر رفع کنید

باعث خرابی موتور تلمبه‌ها و گامیونها میشود. در این روزها که حواله ۴۰ لیتری روغن به رانندگان داده میشود، حتما باید نوع این روغنها (دیزلی یا بنزینی) و درجه (۱۰ - ۴۰ - ۴۰ - ۴۰) آنها کنترل شود، چون بعثت در نظر گرفتن اصول ایمنی موتورها و نبودن روغن سالم برای اتومبیلها، بیشتر دهقانان و رانندگان از این روغنها قلابی استفاده می‌کنند. در نتیجه خطر نابودی کلیه این موتورها وجود دارد. این خطر بخصوص در بهار و تابستان، که تلمبه‌های زراعی کار میکنند، بسیار جدی است. باید به این موضوع توجه شود، کلیه روغنها تولید شده در داخل و وارداتی مورد آزمایش قرار گیرد و مصرف آنان تأیید شود، تا از این طریق دست سودجویان فرصت طلب، که با اقدامات منفعطلبانه خود به انقلاب و دستاوردهای آن لطمه میزنند، کوتاه شود.

یکی از مشکلات رانندگان ماست، که کار حمل و نقل کالاهای اجناس را کند میسازد. گزارش خبرنگار ما در این زمینه حاکیست که: «از کمبود روغن، عده‌ای سودجو استفاده می‌کنند و روغنها قلابی (مخلوط واسکازین و گازوئیل) را بنام روغن ماشین، لیتری ۴۰ تومان میفروشند، در حالی که اغلب تلمبه‌ها و گامیونها باید روغن دیزلی، که دارای ترکیب شیمیایی مخصوص است، مصرف کنند. مصرف روغنها قلابی

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

برگ سبز

همچنین سوگند یاد کنند که با دوستان عمو سام، دوست و با دشمنان او دشمن باشد. هر که خواهد از حلقه پندگی عمو سام بیرون رود، بر او برچسب «کمونیست» زند، و همگان را در هر حال، با خروشی و جنجال، از «خطر کمونیسم» برحذر دارد و خلق را از راه چپ انقلاب، به راه «راست» لیبرال هدایت کند، و بکوشد تا سکان کشتی انقلاب به دست آورد و مسیر آن را با قلمبندی عمو سام «میزان» کند.

برگ سبز، که به لسان ینکه دنیا آن را «گرین کار» و به تازی «ورقه الخضراء» گویند، کاغذ کوچکی است که از آن کارهای بزرگ آید و منافع بیشمار زاید. معجزه‌ها کند و خواص بسیار دارد.

لیبرال همه عمر در حسرت به دست آوردن آن باشد و در هوای آن، آسرد از دل برود بر آورده برگ سبز مفتاح ورود به بهشت لیبرال، یعنی ینکه دنیا، باشد.

بندست آوردن برگ سبز را، لیبرالان نامه‌های پرسوز و گداز به کارگزاران عمو سام نویسند و خواهش‌ها و زاری‌ها و التماس‌ها کنند. رقه‌ها نگارند و سر بر آستان جاسوسخانه گذارند و اشک حسرت از مزه‌بارند، باشد که برگ سبز به دست آرند.

پس از ادای سوگند و سپری کردن آداب و تشریفات، لیبرال برگ سبز به دست آورد و به پندگی عمو سام، مفتخر و مباهی شود.

از سرسپردگی و وفاداری خود داستانها سر- دهند و از مال و مکتت خویش روایت‌ها کنند، لیبرال بنام، بنده عمو سام، که نام این دین خود داشت، اما به پندگی شیطان بزرگ فخر می‌کرد و ازدوری او آه می‌کشید، در پایان رقه ملتسافه خویش، این بیت درج کرده بود:

گویند که از میان رنگهای گوناگون، سبز و سپید و «سیاه» و زرد طلایی، لیبرال را بسیار خوش آید و از رنگ سرخ بیزار باشد.

برگ سبزی است. خواهش «درویش» چه کند بنویسند همین نیم میلیون دلار ناقابل را دارد. گویند که برگ سبز هر کس را ندهند و این تاج افتخار، بر هر سری نهند، آن که خواهد این فخر به دست آورد، باید به صفات عدیده موصوف و متصف باشد.

روایت کنند که روزگاری در بلاد عجم، اصحاب برگ سبز را کارچنان به کام شد که به وزارت و صدارت رسیدند و زمام امور قبضه کردند و خواستند که «کام به کام» از خط امام بیرون شوند و به سوی عمو سام روند. اما دولتشان، دولت مستعجل بود. خروشی خلق سراسیمه‌شان کرد و ایشان را از پای در آورد. به سردراتدند و فغان و فریاد بسیار بر آوردند و ناله «آزادی، آزادی» سردادند و کینه خلق به دل گرفتند. اما نه در دستشان قدرتی که با خلق ستیزند و نه در پا توانی که نزد عمو سام گریزند. لکن به جای آن که سرخجلت به گریبان فروربند و دم در کشند، فریاد کردند و غوغا بر آوردند، چرا که لیبرال را روی همچون سنگ‌های قزوین سخت و سفت باشد و سهل و آسان از میدان به در نرود.

نخست آنکه لیبرالی باشد ثابت قدم، که ینکه دنیا را مراد و مقصدای لیبرالان جهان داند و طریق زندگی ینکه دنیا بی‌راهترین راه و رسم زندگی شمارد و در رواج آن گوشد. همواره سر بر آستان بت بزرگ سرمایه‌سایند، بتی که ساده لوحان به غلط آن را مجسمه آزادی خوانند و نشان وجود آزادی در آن دیار دانند.

گویند خواجه علی بن ایزدی شیرازی، آنکاه که بی‌تاب و بی‌قرار در انتظار وصول برگ سبز بود، این ابیات را از سوز دل می‌سرود و آن‌دم که بر سر سجاده، رو به غرب نشسته بود، یا زاری بسیار، مناجات‌وار زیر لب زمزمه می‌کرد:

لیبرال باید که سالها در ینکه دنیا بسر برد و خون دل خورده، تا آنجا که پارسی را نیز به لجه غلیظ ینکه دنیایی تکلم کند، پس شایسته اعتماد عمو سام شود و برگ سبز تواند به دست آورد.

از غم دوریت ای یار رخ زرد شده‌است، برگ سبزم بده تا سرخوش و خندان بروم. گرچه باشد ز سرخم به کف و سیم سپید، گر مرادم ندهی، همچو گدایان بروم. آمدم تا تو، به کارم سروسامان بدهی، گر عنایت نکنی، بی‌سرو سامان بروم. نام هر چند ز ایزد بودم، ناچارم برگ سبزی طلبم، در که شیطان بروم. برگ سبزم بده ای قبله آمال و امید ندهی، غمزده و دلخور و گریان بروم. برگ سبزم بده و اذن دخول فرمای، تا به سوی وطن تازه، شتابان بروم. چون دل و جان مرا هست هوای ز و سیم، سوی سلطان طلا، از دل و از جان بروم. ینکه دنیا وطن تازه من باشد و من رخت بر بندم و از کشور ایران بروم. تا در اینجا، بر از غصه و نامیزانم ای خوش آن‌دم که رها کردم و «میزان» بروم.

لیبرالی که «گرین کار» به دست آورد، خود را برتر از مسلمانی داند که به زیارت خانه خدا نائل آید.

اعطای برگ سبز را، آداب و تشریفات است فراوان. نخست آن که لیبرال باید نقدینه به خزینه سپارد و مال و مکتت خود را گواه آورد. دوم آنکه مقابل پرچم ینکه دنیا زانو زند و سرخم کند و گوشه پرچم را با احترام بسیار بدست گیرد و با خضوع و خشوع فراوان بر لب برد و بر آن بوسه زند.

سدیدگر آنکه سوگند یاد کند که بنده سر به راه و فرمانبردار عمو سام باشد و هر چه او فرماید، کند، و بکوشد تا نام عمو سام در جهان به ینکی بر آوازه سازد و کیسه او از مال و ثروت خلق جهان بینبارد، تا از این طریق، به رسم تشویق، خرده‌دیزه‌های نیم میلیون دلاری نصیب او نیز شود.

* می‌بخشید که به خاطر وجود نیم میلیون دلار ناقابل، وزن مصرع دوم کمی سنگین شده‌است!

کمک مالی به حزب توده ایران! یک وظیفه انقلابی است!

ایراهم الف از چالوس ۱۰۰۰ ریال
م.م از چالوس ۹۰۰ ریال
م (از اولین حقوق) از ساری ۵۰۰۰ ریال
هواداران حزب در شیرگاه ۱۰۰۰ ریال
هواداران حزب در کیساکلا ۱۰۰۰ ریال
کیهان از تبران ۱۰۰۰۰ ریال

کمکهای نظامی آمریکا به رژیم السالوادور

السالوادور کمک رسانده است. هزاران تن از کارشناسان و مستشاران آمریکا مستقیماً در عملیات سرکوب علیه میهن-دوستان السالوادور شرکت دارند.

کارمل در پیامی به دهلنو اظهار امیدواری کرد که ابتکار افغانستان در مورد حل و فصل مسائل با همسایگان، از حمایت کشورهای غیرمتهم برخوردار شود. رهبر افغانستان اطمینان داد که این کشور آماده است هر گونه پیشنهاد متقابل را با حسن نیت مورد بررسی قرار دهد.

رویدادهای جهان

پارلمان لهستان تغییرات در هیئت دولت لهستان را تأیید کرد

یاردتسکی، نخست‌وزیر جدید لهستان، پس از تصویب کابینه وی در پارلمان لهستان، اظهار داشت: «دولت وظیفه خود میداند که از منافع مردم کشور دفاع کند و قدرت آنرا دارد تا راه را بر ضد انقلاب سد کند.» رئیس دولت جدید لهستان از اتحادیه‌ها و همه‌زحمتکشان کشور خواست که تا ۹۰ روز از اعلام هرگونه اعتصابی خودداری کنند، تا از این فرصت برای حل مسائل مبرم اقتصادی و اجتماعی استفاده شود. یاردتسکی در مورد سیاست خارجی لهستان اظهار داشت: «لهستان همچنان به پیمان‌ورشو وفادار خواهد بود و عزم راسخ دارد که روابط دوستی و همکاریهای خود را با دیگر کشورهای سوسیالیستی گسترش دهد.»

دولت موریس خواستار بازگرداندن جزایر دیگو گارسیاست

شیوساکورا، اولان نخست‌وزیر کشور موریس اظهار داشت که دولت وی کوشش خواهد کرد، تا با کمک سازمان وحدت آفریقا و سازمان ملل متحد، جزایر دیگو گارسیا در اقیانوس هند را که به بزرگترین پایگاه نظامی دریایی آمریکا تبدیل شده‌است، به کشورش بازگرداند.

نخست‌وزیر موریس در پایان دیدار خود از انگلستان و گفتگو با باو، تاجر نخست‌وزیر انگلستان، در یک مصاحبه مطبوعاتی مسئله بازگرداندن دیگو گارسیا به کشورش را عنوان کرد. در این مصاحبه مطبوعاتی نخست‌وزیر موریس اظهار داشت: «جزایر دیگو گارسیا متعلق به موریس است که انگلستان آنرا از این کشور جدا ساخته و آنرا به دولت آمریکا اجاره داده‌است. این اجاره‌زیره اکنون طبق گزارشهای مطبوعات، تنها طی دو هفته زمامداری ریگان، دولت آمریکا معادل ۸۵ میلیون دلار اسلحه و تجهیزات جنگی به رژیم ضد خلقی و دیکتاتوری

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست)

NAMEH MARDOM

No. 445
16 February 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۳۵۵۹/۴۱ منطقه ۱۴ پستی تهران

بیرگ کارمل، رهبر افغانستان، یکباردیگر از همسایگان این کشور خواست که برای حل و فصل مسائل با افغانستان وارد گفتگو شوند.